فصلنامه ایده های نوین روانشناسی
دوره ۲۱، شماره ۲۵، تابستان ۱۴۰۳

فراوالدگری و سلامت زیستی-روان‌شناختی-اجتماعی کودکان

امیرحسین عبدلی[۱]، صدیقه احمدی[۲]

چکیده

فراوالدگری سبکی نابهنجار از فرزند پروری است که با درگیری بیش‌ازحد، کنترل افراطی و محافظت بیش‌ازحد توصیف می‌شود و هم‌راستا با مفهوم فرزند پروری هلیکوپتری است. بر اساس اینکه سبک‌های فرزند پروری نابهنجار مخاطراتی را برای سلامت کودکان ایجاد می‌نمایند و ازآنجایی‌که ادبیات پژوهشی غنی در مورد این مفهوم در کشور وجود نداشت هدف از پژوهش حاضر بررسی تأثیرات منفی فراوالدگری بر سلامت زیستی-روان‌شناختی-اجتماعی کودکان است. با توجه به کلمات کلیدی تخصصی در پایگاه‌های مختلف اطلاعاتی، شامل گوگل اسکالر، سیج، وایلی، اشپرینگر، پابمد، اسکوپوس، ساینس دایرکت، تیلور و فرانسیس بین سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۲۳، ۷۹۲ مقاله با در نظر گرفتن معیارهای ورود و ارزیابی کیفیت و با استفاده از الگوی پریزما (PRISMA) بررسی شدند و بر اساس ارزیابی کیفی نهایی، ۷۹ مقاله انتخاب شدند. نتایج یافته‌های پژوهش‌های مختلف تأثیرات منفی فراوالدگری را بر ابعاد زیستی (تغذیه نامناسب، عدم تعادل هورمونی، مشکلات خواب)، روان‌شناختی (اختلال در غذا خوردن، اضطراب و افسردگی، اختلالات مرتبط با آسیب و عوامل استرس‌زا، بازداری رفتاری، مشکلات رفتاری و هیجانی، مهارت‌های زندگی ضعیف، مشکلات درونی سازی و برونی‌سازی، بیش فعالی و تکانش گری، مشکلات تحصیلی، رفتارهای مخرب و پرخطر، پریشانی، خودارزیابی منفی، وسواس فکری-عملی) و اجتماعی (مهارت‌های اجتماعی ضعیف، کاهش سطح یادگیری و کسب ارزش‌های اجتماعی، کاهش شایستگی اجتماعی و ارتباط بیانی، کاهش استقلال) سلامت کودک تائید کردند. نتایج این مطالعه برای والدین، مدیران مدارس، مسئولین سلامت و بهداشت و همچنین سیاست‌گذاران آموزشی کشور قابل‌توجه خواهد بود.

واژه‌های کلیدی: فراوالدگری، فرزند پروری هلیکوپتری، محافظت بیش‌ازحد، کنترل افراطی، فرزند پروری مزاحم، کودکان.

[۱] دانشجوی کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.
[۲] استادیار گروه مشاوره، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران (نویسنده مسئول) dr.ahmadi.sedighe@khu.ac.ir

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-18]

مقدمه

در روانشناسی کودک، دوره کودکی به‌طورکلی به مجموعه سنینی اشاره دارد که شامل مراحل مهمی از زندگی کودکان است. این دوره به‌طورمعمول از بدو تولد تا حدود دوازده‌سالگی (بلوغ) تعریف می‌شود. این دوره شامل مراحل نوزادی (تولد تا ۲ سالگی)، دوره پیش‌دبستانی (۲ تا ۵ سالگی) و دوره ابتدایی (۶ تا ۱۲ سالگی) می‌شود. دوره نوزادی از تولد تا دوسالگی کودک را پوشش می‌دهد و در این مرحله، کودکان به‌عنوان نوزادان شناخته می‌شوند و تحت نظر مراقبت‌های ویژه‌ای قرار دارند. دوره پیش‌دبستانی که از دو تا پنج‌سالگی است مرحله فعالیت‌های اجتماعی و آمادگی برای ورود به مدرسه را شامل می‌شود. در دوره ابتدایی که شش تا دوازده‌سالگی است کودکان وارد دوره تحصیلی رسمی می‌شوند و مهارت‌ها و دانش‌های پایه‌ای خود را گسترش می‌دهند(پیاژه[1]، ۱۹۵۲). همچنین، باید توجه داشت که تقسیم‌بندی دوره کودکی ممکن است بسته به منابع و فرهنگ‌های مختلف متفاوت باشد. اما در کل، دوره کودکی معمولاً تا سن حدود ۱۲ سالگی به‌طور گسترده‌ای در روانشناسی کودکان و رشد فردی استفاده می‌شود. این دوره شامل فرآیندهای رشد، تعلم، و توسعه کودکان است که پایه مرحله بعدی رشد آن‌ها را شکل می‌دهد. در حوزه سلامت کودکان و به‌صورت کلی انسان، جورج انگل[2] (۱۹۷۷) مدلی را پیشنهاد کرد که به‌عنوان مدل زیستی-روانی-اجتماعی شناخته می‌شود. انگل این مدل را توسعه داد تا تأکید کند که سلامت و بیماری باید در قالب یک سیستم پیچیده از فاکتورهای بیولوژیکی، روانی و اجتماعی موردبررسی قرار گیرند. در مدل انگل، سلامت دیگر تنها به غیاب بیماری محدود نمی‌شود، بلکه باید این عوامل سه‌گانه را به‌طور کامل موردتوجه قرار داد: عوامل فیزیولوژیکی و ژنتیکی، که شامل ساختار و عملکرد ارگان‌ها و سیستم‌های بدن می‌شود. عوامل روان‌شناختی که ازجمله آن می‌توان به ویژگی‌های شخصیتی، احساسات، انگیزه‌ها و رفتارها اشاره کرد و عوامل اجتماعی که روابط فردی، حمایت‌های اجتماعی، فرهنگ و روابط اقتصادی و محیطی را شامل می‌شود. انگل تأکید می‌کند که درمان‌های پزشکی باید این سه جنبه را به‌طور یکپارچه در نظر بگیرند تا به یک دیدگاه کامل‌تر از سلامت دست یابند و بعلاوه در این مدل بر اهمیت همخوانی میان مراقبت‌های جسمی و مراقبت‌های روانی و اجتماعی تأکید می‌شود.

تربیت فرزندان در جهت حفظ سلامت و رشد آن‌ها در خانواده، یک فرآیند اجتماعی-آموزشی پیچیده و اغلب مشکل‌ساز است و اثربخشی آن به مؤلفه‌های خرد محیط خانواده و سبک ارتباطی اعضا و سایر جنبه‌ها بستگی دارد(ناویکینی و همکاران[3]، ۲۰۲۱). در میان این مؤلفه‌ها، رفتارهای والدین که از آن با عبارت والدگری یاد می‌شود با نشان دادن الگوهای قوانین، نظم و انضباط و سایر رفتارها بر رشد و سلامت کودک تأثیری اساسی دارد. واژه والدگری از ریشه فعل لاتین خود که به معنای "پرورش، توسعه یا آموزش" است منشعب گردیده و ازاین‌رو فرزند پروری به‌عنوان «فعالیت‌هایی هدفمند در تضمین بقا و رشد کودکان» تعریف‌شده است. مجموع این فعالیت‌ها و نگرش‌ها کودک را پرورش می‌دهد و رشد شخصیت کلی او را تقویت می‌کند. تأثیر فرزند پروری همیشگی است و با جنبه‌های مختلف رشد کودک مرتبط است(سریوستاو و ماتور[4]، ۲۰۲۰). درواقع، رویکرد و نگرش کلی والدین به فرزندان برای هدایت، کنترل و اجتماعی کردن آن‌ها، تشکیل‌دهنده یک جو عاطفی است که از آن به‌عنوان "سبک فرزند پروری" یاد می‌شود(دارلینگ و استینبرگ، به نقل از ناویکینی و همکاران، ۲۰۲۱). این مفهوم ممکن است به‌عنوان الگویی کلی و منحصر به فرد از رفتار والدین تعریف شود که با سطوح حمایت، کنترل و اعطای خودمختاری نشان داده‌شده توسط والدین مشخص می‌شود(گرست و گاگنون[5]، ۲۰۱۵). گذشته از نتایج نظرسنجی بین‌المللی که نشان می‌دهد والدین تمایل زیادی به حمایت بیش‌ازحد از فرزندان خود دارند از مهم‌ترین چالش‌های تحقیقاتی تمایز بین سبک‌های متفاوت فرزند پروری است زیرا والدین می‌توانند مؤلفه‌های مختلف هر یک از ابعاد فرزند پروری را باهم به اجرا درآورند درنتیجه پژوهشگران تائید کرده‌اند که والدین معمولاً نمی‌توانند در یک سبک فرزند پروری واحد توصیف شوند(ناویکنی و همکاران، ۲۰۲۱).

[1] Piaget
[2] Engel
[3] Navickienė
[4] Srivastav & Mathur
[5] Garst & Gagnon

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-18]

فراوالدگری که بیش از بیست سال است توجه فزاینده‌ای را به خود جلب کرده به رفتارهای ناسالم و افراطی والدین اشاره دارد که شواهدی از آن ممکن است در میان سبک‌های فرزند پروری که توسط بامریند (مقتدرانه، مستبدانه، سهلگیرانه و بی‌اعتنا) و سایرین متمایز شده است، دیده شود. بنابراین فراوالدگری منعکس‌کننده ترکیبی از سبک‌های والدگری است که کاملاً جدید نیست اما الگویی منحصر به فرد از ابعاد والدگری را منعکس می‌نماید(گرست و گاگنون، ۲۰۱۵). فراوالدگری یکی از سبک‌های فرزند پروری است که به تمایل بیش‌ازحد والدین به محافظت از موفقیت و شادکامی کودکان، بجهت رفع موانع احتمالی فرایند رشد اطلاق می‌شود و با درگیری شدید[1] توصیف می‌شود(کاو و همکاران[2]، ۲۰۲۳). این سبک متمایز شامل سطوح بالای حمایت والدین، کنترل رفتاری، اضطراب و سطوح پایین اعطای خودمختاری است و یکی از نشانه‌های اصلی آن، توجه بیش‌ازحد والدین به فرزندان و تلاش برای محافظت از آن‌ها در برابر همه خطرات احتمالی است. فراوالدگران تلاش می‌کنند تا والدین کاملی باشند، آن‌ها با این باور غلط هدایت می‌شوند که وظیفه آن‌ها محافظت از فرزندان خود در برابر همه ناامیدی‌ها و خطرات محیطی است(ناویکینی و همکاران، ۲۰۲۱). بر اساس تئوری‌های درهم‌تنیدگی خانواده، فرزند پروری مؤثر و رشد شخصیت، ممکن است که این سبک از فرزند پروری با ویژگی‌های منفی در والدین (یعنی اضطراب و پشیمانی) و همچنین در کودکان خردسال (به‌عنوان‌مثال، خودشیفتگی، سبک‌های مقابله‌ای ضعیف، اضطراب و استرس) مرتبط باشد(گرست و گاگنون، ۲۰۱۵). این سبک با استفاده از اصطلاحات مختلفی توصیف‌شده است، ازجمله فرزند پروری هلیکوپتری[3] (سگرین و همکاران[4]، ۲۰۱۲)، فرزند پروری مزاحم[5] (گرست و گاگنون، ۲۰۱۵)، کنترل افراطی[6] (پری و همکاران[7]، ۲۰۱۸) بعلاوه همبستگی بالایی بین فراوالدگران و والدین بیش‌ازحد محافظ[8](کویرونیسا و همکاران[9]، ۲۰۲۳) وجود دارد. اگرچه این اصطلاحات متفاوت هستند، اما اغلب با روش‌های مفهومی مشابهی قابل‌استفاده‌اند و محققان خاطرنشان کرده‌اند که معنا کردن این رویکردهای فرزند پروری ناهنجار به‌صورت منفرد می‌تواند گیج‌کننده نیز باشد(ناویکنی و همکاران، ۲۰۲۱).

والدین هلیکوپتری به‌عنوان والدینی تعریف می‌شوند که به‌جای اینکه به کودکان اجازه تجربه شکست یا چالش را بدهند، بیش‌ازحد از آن‌ها محافظت می‌کنند و مشکلاتشان را حل می‌نمایند. به‌این‌ترتیب، والد هلیکوپتری مانع از رشد شخصی فرزند خود می‌شود(سگرین و همکاران، ۲۰۱۲؛ سگرین و همکاران، ۲۰۱۳). پادیلا-واکر و نلسون[10] (۲۰۱۲) والد هلیکوپتری را دارای مؤلفه‌های گرما و حمایت بالا، کنترل بالا و اعطای استقلال کم توصیف نموده‌اند. به گفته ناویکنی و همکاران (۲۰۲۱) والدین هلیکوپتری گاهی اوقات با اصطلاح بیش‌ازحد محافظ و فرامطالبه‌گر نیز شناخته می‌شوند. از دیگر اصطلاحات شبیه به فراوالدگری، فرزند پروری مزاحم است که با برنامه‌ریزی بیش‌ازحد فرزندان را خرد می‌کند و فرزندان را از اوقات فراغت و انجام رفتار به‌صورت مستقل محروم می‌کند. والدین مزاحم اغلب بدون فرزندشان عملکرد ضعیفی دارند(پادیلا-واکر و نلسون، ۲۰۱۲). والدین بیش‌ازحد محافظ، بیش‌ازحد حساس هستند و اغلب نسبت به هر چیزی که مربوط به فرزندانشان باشد بیش‌ازحد واکنش نشان می‌دهند. آن‌ها نسبت به فعالیت‌هایی که فرزندشان در آن شرکت می‌کند بیش‌ازحد محتاط هستند. این دسته از والدین به‌طور مداوم ایمنی و خطر را به کودک خود یادآوری می‌کنند. آن‌ها از نمره بد فرزندشان شکایت می‌کنند و برای تغییر آن با مدرسه دعوا می‌کنند(ناویکنی و همکاران، ۲۰۲۱). آن‌ها به دنبال حذف تمام موانع درک شده در فرایند رشد فرزند خود هستند و اغلب با تداخل بیش‌ازحد در تحصیلات و ورزش کودکان شناخته می‌شوند. فراوالدگری اصطلاحی است که به بهترین وجه نشان‌دهنده سبک‌های فرزند پروری غیرهنجاری و درعین‌حال پرتلاش (متضاد سبک فرزند پروری سهل گیرانه) است(ناویکنی و همکاران، ۲۰۲۱). سگرین و همکاران (۲۰۱۳) اینگونه فراوالدگری را تعریف می‌نمایند: «افرادی که این شکل از فرزند پروری را اجرا

[1] Over involved
[2] Kao
[3] Helicopter parenting
[4] Segrin et al.
[5] Intrusive parenting
[6] OverControlig
[7] Perry et al.
[8] Overprotective Parents
[9] Koirunnisa et al.
[10] Padilla-Walkar & Nelson

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-18]

می‌کنند، به نظر می‌رسد که بیش‌ازحد درگیر زندگی فرزندان خود هستند، ریسک‌گریزی می‌کنند و درگیر بهزیستی عاطفی فرزندان خود هستند». نتایج نشان می‌دهد که سبک‌های فرزند پروری بیش‌ازحد درگیر دید تونلی در چشم‌انداز خود دارند، بیش‌ازحد بر سن عملکردی فرزند بالغ خود به قیمت سن تقویمی تأکید کنند، معتقدند که باید در هر تصمیمی مشارکت داشته باشند، بر اساس نیازهای شخصی خود تصمیم می‌گیرند، خشم و ناامیدی را نشان می‌دهند و به‌ندرت راضی می‌شوند، مهارت‌های ارتباطی ضعیفی از خود نشان دهد و ناسازگارانه مطالبه می‌کنند(اینگن، مور و فوملر[1]، ۲۰۰۸). تئوری درهم‌تنیدگی خانواده و تئوری دل‌بستگی ساختار فراوالدگری را بیان کرده‌اند. تئوری درهم‌تنیدگی خانواده، که معتقد است والدین از فرزندان برای ارضای اهداف ناقص، پشیمانی یا اضطراب خود استفاده می‌کنند، مبنای انگیزشی برای فرزند پروری بیش‌ازحد فراهم می‌کند این تبیین با نتایج (سریوستاو و ماتور، ۲۰۲۰؛ روزسو و شارف[2]، ۲۰۱۸؛ برنینگ و همکاران[3]، ۲۰۱۷) همسویی دارد. از منظر درهم‌آمیختگی، والدین اهداف خود را بر روی فرزندشان فرافکنی می‌کنند، زندگی فرزندشان را بیش‌ازحد کنترل می‌کنند و موفقیت‌ها و شکست‌های فرزندشان را به‌طور نایب تجربه می‌کنند (سگرین، و همکاران، ۲۰۱۳). تئوری دل‌بستگی معتقد است که رفتار ناایمن والدین، برای مثال درگیر شدن بیش‌ازحد یا کنترل بیش‌ازحد در زندگی کودک، با پیامدهای منفی برای کودکان ازجمله افزایش اضطراب، تنظیم استرس، و خودکارآمدی پایین همراه است (سیدیدیس و کافتسیوس، به نقل از گرست و گاگنون، ۲۰۱۵).

مطالعات اندکی به ارائه شواهدی مبنی بر تأثیرات محدود و مثبت این سبک بر سلامت فرزندان پرداخته‌اند اما به‌خوبی مستند شده که شیوه‌های بد فرزند پروری منجر به پیامدهای عاطفی منفی در کودکان می‌شود(رز و همکاران[4]، ۲۰۱۸). ازآنجایی‌که فراوالدگری به‌عنوان یک سبک فرزند پروری نابهنجار تلقی می‌شود (ناویکنی و همکاران، ۲۰۲۱) در مطالعات گسترده‌ای به تأثیرات آن بر جنبه‌های مختلف سلامت زیستی-روان‌شناختی-اجتماعی کودکان اشاره‌شده است مانند افزایش مشکلات خواب (پیزو و همکاران[5]، ۲۰۲۲)، اضطراب و افسردگی (گاناپراکاسم و همکاران[6]، ۲۰۲۳؛ الدهینکل و همکاران[7]، ۲۰۰۶) و کاهش مهارت‌های اجتماعی (ایسیک و باهات[8]، ۲۰۲۱؛ سوات[9]، ۲۰۱۸؛ گیلبرت، برچ و لوبی[10]، ۲۰۲۰). درنتیجه بر اساس اینکه ادبیات پژوهشی غنی درباره مفهوم فراوالدگری در کشور موجود نیست هدف از مطالعه مروری سیستماتیک حاضر پاسخ به این سؤال است که تأثیرات منفی فراوالدگری بر سلامت زیستی-روان‌شناختی-اجتماعی کودکان کدام‌اند؟

روش

روش این پژوهش از نوع مطالعه مروری نظام‌مند است که بر اساس چک‌لیست پریزما[11] صورت گرفته و با استفاده از آن به‌مرور یافته‌های علمی انجام‌شده درباره تأثیرات منفی فراوالدگری بر مؤلفه‌های مختلف سلامت زیستی-روانی-اجتماعی کودکان پرداخته‌شده است و روند آن به شرح زیر می‌باشد:

[1] Ingen, Moore & Fuemmeler
[2] Rousseau & Scharf
[3] Brenning et al.
[4] Rose et al.
[5] Pizzo et al.
[6] Ganaprakasam et al.
[7] Oldehinkel et al.
[8] Işık & Bahat
[9] Suat
[10] Gilbert, Barch & Luby
[11] PRISMA

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-18]

الف) راهبردهای جستجو: یافته‌ها به‌طور جامع از سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۲۳ در پایگاه‌های مطالعاتی خارجی موردبررسی قرار گرفتند. پایگاه‌های مطالعاتی شامل گوگل اسکالر[1]، سیج[2]، وایلی[3]، اشپرینگر[4]، پابمد[5]، اسکوپوس[6]، ساینس دایرکت[7]، تیلور و فرانسیس[8] بود. و واژه‌های کلیدی برای جستجو در پایگاه‌های مطالعاتی شامل فراوالدگری، فرزند پروری هلیکوپتری، فرزند پروری مزاحم، کنترل افراطی، مشارکت بیش‌ازحد، درگیری بیش‌ازحد، محافظت بیش‌ازحد و کودکان بود.

ب) ملاک‌های ورود و خروج: برای مطالعه مروری نظام‌مند حاضر، مطالعاتی وارد پژوهش شدند که واژه‌های کلیدی مورد جستجو را داشتند، فراوالدگری و عبارات همبسته با آن از قبیل فرزند پروری هلیکوپتری، کنترل بیش‌ازحد، محافظت بیش‌ازحد، فرزند پروری مزاحم، درگیری و مشارکت بیش‌ازحد را به‌صورت مجزا یا ترکیبی موردمطالعه قرار داده بودند، نوع مقیاس بررسی آن‌ها مؤلفه‌های سلامت زیستی-روان‌شناختی-اجتماعی بود، مطالعات بیانگر نتایج پژوهش در جامعه و نمونه آماری کودکان بود و مطالعات شامل مقالات اصیلی بود که بعد از سال ۲۰۰۶ به زبان انگلیسی در پایگاه‌های معتبر منتشرشده بودند.

ج) ارزیابی کیفیت مقالات: برای انتخاب مطالعات، تمامی مقالات بعد از استخراج از پایگاه‌های موردنظر با استفاده از کلیدواژه‌های تخصصی، توسط نویسندگان طرح بررسی و موارد تکراری ازنظر محتوا و روش حذف گشتند. سپس عنوان و چکیده مقالات باقی‌مانده با دقت موردبررسی قرار گرفتند و مقالاتی که معیارهای ورود به این مرور ساختاریافته را نداشتند حذف شدند. همچنین بعد از حذف مقالات دارای ارتباط ضعیف با اهداف مطالعه و انتخاب مقالات اصلی، برای افزایش اطمینان از شناسایی، بررسی و معرفی مقالات موجود و بهبود کیفیت اکثر مقالات، فهرست منابع مقالات انتخاب‌شده نیز مورد ارزیابی و جستجو واقع گردید و نهایتاً به جهت بررسی دقیق معیارهای ورودی متن مطالعات به‌صورت کامل موردبررسی قرار گرفت. بر این اساس از ۷۹۲ مطالعه بررسی‌شده، تعداد ۷۱۳ مطالعه به دلیل اینکه ملاک‌های ورود را نداشتند از پژوهش خارج‌شده و در آخر ۷۹ مطالعه وارد پژوهش شده و موردبررسی قرار گرفتند(شکل ۱). در ادامه دو مؤلف به‌طور جداگانه محتوای هر یک از مقالات را تجزیه‌وتحلیل کردند و بجهت به دست آوردن پایایی درونی بین محققان، یک‌سوم مقالات به‌صورت تصادفی انتخاب و برای محاسبه آن استفاده شد. این فرمول شامل تعداد توافق‌ها تقسیم بر مجموع تعداد توافق‌ها و عدم توافق‌ها و تقسیم بر ۱۰۰ است. میزان پایایی درونی مقالات از ۸۴,۲۰ ٪ تا ۸۷,۸۵ ٪ و با میانگین ۸۶,۲۶ ٪ به‌دست‌آمده است. در آخرین مرحله از فرایند این مطالعه نیز مطالعات مربوط به مقالات انتخاب‌شده شامل نام نویسنده، سال انجام مطالعه، جامعه و نمونه آماری، کشور محل انجام مطالعه، تفکیک مؤلفه‌های زیستی-روان‌شناختی-اجتماعی و نتایج مربوط به اهداف مطالعه در جدول ثبت گردید(جدول ۱).

کلید واژه های جست و جو شده: فراوالدگری، فرزندپروری هلیکوپتری، فرزندپروری مزاحم، کنترل افراطی، مشارکت بیش از حد، درگیری بیش از حد، محافظت بیش از حد و کودکان

پایگاه های اطلاعاتی: گوگل اسکالر، سیج، وایلی، اشپرینگر، پابمد، اسکوپوس، ساینس دایرکت، تیلور و فرانسیس

تعداد مقالات بررسی شده: ۷۹۲

خروج مقالات تکراری و غیر مرتبط با عنوان، چکیده و کلیدواژه: ۵۷۶
اضافه شدن مقالات در بررسی دستی و بررسی رفرنس بعلاوه اعمال معیار های ورود و خروج: ۱۰۹

مقالات نهایی وارد شده در پژوهش: ۷۹

[1] Google scholar
[2] Sage
[3] Wiley
[4] Springer
[5] PubMed
[6] Scopus
[7] ScienceDirect
[8] Taylor & Francis

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-18]

شکل ۱: فرایند بررسی و انتخاب مقالات

یافته‌ها

یافته‌های مرتبط با پژوهش‌هایی که ملاک‌های ورود به این مطالعه را داشتند به‌صورت انتقادی موردبررسی قرار گرفتند. خلاصه محتوای مقالات (نام نویسنده، سال انجام مطالعه، جامعه و نمونه آماری، کشور محل انجام مطالعه، تفکیک مؤلفه‌های زیستی-روان‌شناختی-اجتماعی و نتایج مربوط به اهداف مطالعه) در جدول ۱ ارائه گردیده است که در ادامه نتایج توصیفی بررسی تأثیرات منفی فراوالدگری بر سلامت زیستی-روان‌شناختی-اجتماعی کودکان ارائه می‌گردد.

بعد زیستی

تغذیه نامناسب: در بررسی ۷۳ نفر از والدین فرزندان ۲ تا ۶ سال مبتلابه بیماری لوسمی لنفوبلاستیک مشخص شد که حمایت بیش‌ازحد والدین با کاهش مصرف میوه و سبزیجات و افزایش مصرف خوراکی‌های مضر همراه بود و درنهایت به تغذیه نامناسب منجر می‌شود(ویلیامز، لامب و مک‌کارتی[1]، ۲۰۱۵).

عدم تعادل هورمونی: در بررسی ۱۴۸ کودک در سه دوره سنی ۱۸ ماهگی، ۳۰ ماهگی و ۷۲ ماهگی مشخص شد که مزاحمت والدین و کنترل بیش‌ازحد آن‌ها در ۳۰ ماهگی کودک پیش‌بینی کننده افزایش سطوح کورتیزول و آلفا آمیلاز در سن ۷۲ ماهگی کودک است(تیلور و همکاران[2]، ۲۰۱۳). افزایش سطوح کورتیزول در پژوهش آذر و همکاران[3] (۲۰۰۷)، بورلی و همکاران[4] (۲۰۱۹) و گانر و همکاران[5] (۲۰۱۰) تائید شده است.

مشکلات خواب: پیزو و همکاران (۲۰۲۲) نشان دادند که سبک فرزند پروری بیش‌ازحد محافظ اختلال در خواب کودکان را پیش‌بینی کرد عنوان داشتند که اختلال در خواب سلامت روانی و جسمانی آینده کودک را به خطر خواهد انداخت. کایل، هامل و لوبی[6] (۲۰۱۵) نیز افزایش مشکلات خواب را درنتیجه کنترل بیش‌ازحد پیش‌بینی کردند. چو و همکاران[7] (۲۰۱۲) نیز نشان دادند که همبستگی مثبتی بین محافظت بیش‌ازحد والدین و بی‌خوابی میانی و اختلال برنامه خواب‌وبیداری کودکان وجود داشت.

بعد روان‌شناختی

اختلال در غذا خوردن: مونش و همکاران[8] (۲۰۱۷) در بررسی ۱۰۰ کودک در سنین ۸ تا ۱۳ سال سالم، دارای اختلال پرخوری و بیش فعالی دریافتند که درگیری عاطفی بیش‌ازحد والدین به‌طور مثبت با غذا خوردن هیجانی کودکان مرتبط بود.

اضطراب و افسردگی: در این حیطه افزایش انواع مختلف استرس و اضطراب و اختلالات مربوط به آن‌ها (گاناپراکاسم و همکاران، ۲۰۲۳؛ لاورین و همکاران[9]، ۲۰۱۵؛ مولر، مایدانژیچ و بوگلس[10]، ۲۰۱۵؛ هادسون و داد[11]، ۲۰۱۲؛ ونت و همکاران[12]، ۲۰۱۱؛ گار و هادسون[13]، ۲۰۰۸؛ مکلود، وود و ویز[14]، ۲۰۰۷؛ بیتو، پریرا و باروس[15]، ۲۰۱۷، وریک و همکاران[16]، ۲۰۱۳؛ باس، ژائو و ترینر[17]،

[1] Williams, Lamb & McCarthy
[2] Taylor et al.
[3] Azar et al.
[4] Borelli et al.
[5] Gunnar et al.
[6] Kiel, Hummel & Luebbe
[7] Chou et al.
[8] Munsch et al.
[9] Laurin et al.
[10] Möller, Majdandžić & Bögels
[11] Hudson & Dodd
[12] Vente et al.
[13] Gar & Hudson
[14] McLeod, Wood & Weisz
[15] Beto, Pereira & Barros
[16] Vreeke et al.
[17] Buss, Zhou & Trainer

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-18]

۲۰۲۱؛ ریو و شین[1]، ۲۰۱۸؛ لی و شین[2]، ۲۰۲۰؛ راک و موریس[3]، ۲۰۰۹؛ استرانگ[4]، ۲۰۱۵؛ بورلی، مارگلی و ماسموسن[5]، ۲۰۱۵؛ افرونتی و گینزبرگ[6]، ۲۰۱۲؛ فستا و گینزبرگ[7]، ۲۰۱۱؛ وینستوک[8]، ۲۰۲۱؛ پارتینگتون و همکاران[9]، ۲۰۱۸؛ گیلبرت و همکاران[10]، ۲۰۲۰؛ چوروت و همکاران[11]، ۲۰۱۷؛ بیتو و همکاران[12]، ۲۰۱۶؛ هادسون، داد و بووپولوس[13]، ۲۰۱۱) درنتیجه فراوالدگری در کودکان تائید شده است. الدهینکل و همکاران (۲۰۰۶) نیز همبستگی مثبت بین سبک فرزند پروری بیش‌ازحد محافظ و نشانه‌های افسردگی را در یک نمونه مشتمل از ۲۲۳۰ کودک ۱۰ تا ۱۲ سال نشان دادند. در ادامه فاکس و همکاران[14] (۲۰۲۳) نشان دادند زمانی که گرمای رابطه بین والد و فرزند پایین بود کنترل بیش‌ازحد والدین باعث افزایش افسردگی کودک می‌شد.

اختلالات مرتبط با آسیب و عوامل استرس‌زا: آرمور و همکاران[15] (۲۰۱۸) همبستگی مثبت بین محافظت بیش‌ازحد والدینی و ترس کودکان تائید کردند. در مطالعه دیگری درگیری ترومای شدید و ناتوانی آموخته‌شده درنتیجه سبک فرزند پروری هلیکوپتری مادرانه پیش‌بینی شد(ییلماز و ارسلان و ارسلان[16]، ۲۰۲۱). سار و همکاران[17] (۲۰۲۱) نیز نشان دادند محافظت و کنترل بیش‌ازحد والدین به‌طور ویژه با سوءاستفاده عاطفی و غفلت و تروماهای مختلف دیگر مرتبط بود.

بازداری رفتاری: این مفهوم به احتیاط، کناره‌گیری و یا ترس از مواجهه با چیزهای جدید اشاره دارد. هادسون و همکاران[18] (۲۰۱۱) یک نمونه ۲۰۲ نفری کودکان ۴ ساله را به دو گروه بازدارنده رفتاری و غیر بازدارنده تقسیم کردند و پس از انجام فرایندهای پژوهشی، در سن ۶ سالگی دوباره دو گروه را مورد ارزیابی قراردادند. در این مطالعه مشخص شد که والدین بیش‌ازحد درگیر، در مطالعه پیگیری ۶ سالگی کودکان با بازداری رفتاری بیشتر آن‌ها مرتبط بودند. افزایش بازداری رفتاری در پژوهش هادسون، کامر و کندال[19]، (۲۰۰۸) و بورخوس و همکاران[20] (۲۰۱۱) نیز تائید شده است.

مشکلات رفتاری و هیجانی: در این حیطه افزایش مشکلات رفتاری (گری و همکاران[21]، ۲۰۱۲؛ کوکلین و همکاران[22]، ۲۰۱۳)، کاهش یادگیری هیجانی (حسین[23]، ۲۰۱۸)، مشکلات هیجانی و رفتاری (مک ورتر و همکاران[24]، ۲۰۲۲؛ ویلیامز، لامب و مک‌کارتی، ۲۰۱۴)، مشکلات تنظیم هیجانی (سوارز و همکاران[25]، ۲۰۲۱) پیش‌بینی شده است. پری و همکاران (۲۰۱۸) در یک مطالعه طولی نشان دادند که کنترل بیش‌ازحد والدین در سن ۲ سالگی با تنظیم هیجانی و کنترل بازدارنده در سن ۵ سالگی رابطه منفی داشت و این مؤلفه‌ها به نوبه خود با مشکلات عاطفی، مدرسه‌ای و مهارت‌های اجتماعی کمتر مرتبط‌اند.

---

[1] Ryoo & Shin
[2] Lee & Shin
[3] Rork & Morris
[4] Strang
[5] Borelli, Margolin & Rasmussen
[6] Affrunti & Ginsburg
[7] Festa & Ginsburg
[8] Weinstock
[9] Partington et al.
[10] Gilbert et al.
[11] Chorot et al.
[12] Beato et al.
[13] Hudson, Dodd & Bovopoulous
[14] Fox et al.
[15] Armour et al.
[16] Yilmaz, Arslan & Aarslan
[17] ŞAR et al.
[18] Hudson et al.
[19] Hudson, Comer & Kendall
[20] Burkhouse et al.
[21] Gere et al.
[22] Cooklin
[23] Hussain
[24] McWhorter et al.
[25] Suarez et al.

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-18]

مهارت‌های زندگی ضعیف: در حیطه مهارت‌های زندگی پارک، شیم و بیون[۱] (۲۰۱۴) نشان دادند که کاهش محافظت بیش‌ازحد والدین تاب‌آوری کودکان را افزایش می‌دهد و بعلاوه تاب‌آوری نیز با بازی‌های تعاملی کودکان همبستگی مثبت دارد. کاهش خلاقیت در پژوهش التمیمی و القضاه[۲] (۲۰۱۹) تحت تأثیر سبک فرزند پروری بیش‌ازحد محافظ تائید شده است. بعلاوه هارویسون و همکاران[۳] (۲۰۰۸) به این نتیجه رسیدند که کنترل بی‌عاطفه مادری رابطه بین اضطراب کودک و کناره‌گیری او از وظایف دشوار را واسطه می‌کند.

مشکلات درونی سازی و برونی‌سازی: در این حیطه افزایش مشکلات درونی سازی (گولنس و همکاران[۴]، ۲۰۱۸؛ گولنس و همکاران، ۲۰۱۱؛ رز و همکاران، ۲۰۱۸؛ بایر، سنسون و همفیل[۵]، ۲۰۰۹؛ بایر، سنسون و همفیل، ۲۰۰۶؛ بایر و همکاران[۶]، ۲۰۱۰؛ باربات و همکاران[۷]، ۲۰۱۴) و افزایش مشکلات برونی‌سازی (رود، آلکون و یتس[۸]، ۲۰۱۷) تائید شده است.

بیش فعالی و تکانش گری: مایر، کگلی و کلین[۹] (۲۰۲۲) در پژوهش خود از ۱۰۲ جفت والد/کودک استفاده کردند که کودکان بین ۵ تا ۷ سال بودند و داده‌های مقطعی حاصل از این مطالعه را در مطالعه دوم پژوهش خود با مدل میانجی به‌صورت طولی در ۳۷۶ جفت والد/کودک که در ۳ سالگی، ۶ سالگی و ۹ سالگی کودکان ارزیابی‌شده بودند گسترش دادند. نتایج نشان داد که محافظت بیش‌ازحد والدین همبودی بین بیش فعالی و اضطراب کودکان را واسطه می‌کند. بیش فعالی و تکانش گری در پژوهش فلاسچینی و همکاران[۱۰] (۲۰۲۰) نیز تائید شده است.

مشکلات تحصیلی: نگرش منفی دانش‌آموز به مدرسه، انجام ندادن مسئولیت‌ها، بی‌توجهی و بی‌احساسی نسبت به اطرافیان، ناتوان دانستن خود، تردید در استعدادها و افت موفقیت تحصیلی از نتایج والدگری هلیکوپتری هستند(ایسیک و باهات، ۲۰۲۱). لی، چنگ و واچون[۱۱] (۲۰۲۳) نشان دادند که افزایش انتظارات والدین، مشارکت فشرده در فعالیت‌های فوق‌برنامه و افزایش مشارکت والدین در مدرسه با کاهش رشد نتایج تحصیلی کودکان مرتبط بود. مشکلات تحصیلی در پژوهش طولی پری و همکاران (۲۰۱۸) تائید شده است.

رفتارهای مخرب و پرخطر: در این حیطه رفتارهای مخرب حین درمان دندان‌پزشکی (جونگ-لنترز، پاسمن و دویجستر[۱۲]، ۲۰۲۳)، بازی‌های پرخطر (آکدمیر، بانکو-بال و سویملی-کلیک[۱۳]، ۲۰۲۳)، افراط در استفاده از صفحات الکترونیکی (کایلین و همکاران[۱۴]، ۲۰۲۱)، قربانی شدن (فاکس و همکاران، ۲۰۲۲) ازجمله نتایجی است که در مطالعات مختلف به آن‌ها اشاره‌شده است.

پریشانی: مودرا و همکاران[۱۵] (۲۰۲۲) در بررسی طولی ۱۷۰ جفت مادر/کودک در طول ۲۴ ماه پس از زایمان پیش‌بینی نمودند که اضطراب والدینی باعث شکل‌گیری رفتارهای افراطی در محافظت از فرزند می‌شود و محافظت بیش‌ازحد والدینی نقش واسطه‌ای مؤثری در افزایش پریشانی کودک دارد.

---

[1] Park, Shim & Byon
[2] Al–Tamimi & Al-Qudah
[3] Harvison et al.
[4] Gulenc et al.
[5] Bayer, Sanson & Hemphill
[6] Bayer et al.
[7] Barbot et al.
[8] Rudd, Alkon & Yates
[9] Meyer, Kegley & Klein
[10] Faleschini et al.
[11] Li, Cheng & Vachon
[12] Jong-Lenters, Pasman & Duijster
[13] Akdemir, Banko-Bal & Sevimli-Celik
[14] Çaylan et al.
[15] Mudra et al.

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-18]

خودارزیابی منفی: بکر و گینزبرگ[1] (۲۰۱۱) ۷۵ مادر که ۳۸ نفر آن‌ها مضطرب بالینی بودند و ۳۷ نفر آن‌ها اضطراب نداشتند را به همراه یکی از فرزندان ۶ تا ۱۴ ساله‌شان، درحالی‌که کودک خود را برای سخنرانی درباره خودشان آماده می‌کردند مشاهده کردند و دریافتند که اضطراب و کنترل بیش‌ازحد والد با ارزیابی منفی کودک از خودش همبستگی مثبت داشت.

وسواس فکری-عملی: گیلبرت و همکاران[2] (۲۰۲۲) در بررسی یک نمونه مقطعی از کودکان ۵ تا ۶ سال که ۱۲۶ نفر بودند نشان دادند که کنترل بیش‌ازحد والدینی با علائم وسواس فکری-عملی بالاتر همراه بود.

بعد اجتماعی

مهارت‌های اجتماعی ضعیف: در این حیطه از تأثیر فراوالدگری بر سلامت اجتماعی کودکان تأثیر منفی بر انواع مهارت‌های اجتماعی (ایسیک و باهات، ۲۰۲۱؛ سوات، ۲۰۱۸؛ گیلبرت، برچ و لوبی ۲۰۲۰؛ استیونسون و کرنیک[3]، ۲۰۱۳)، مشکل در ایجاد و حفظ دوستی‌ها (کاواباتا، تسنگ و گائو[4]، ۲۰۱۲) و کاهش سازگاری (خو و همکاران[5]، ۲۰۱۹) گزارش‌شده است.

کاهش سطح یادگیری و کسب ارزش‌های اجتماعی: اولو و ارتندوگ[6] (۲۰۱۸) تأثیرات سبک‌های فرزند پروری را بر اکتساب ارزش‌های اجتماعی را بررسی نمودند. در این مطالعه کمی، که از نوع همبستگی توصیفی بود والدین و دانش‌آموزان ۵ ساله‌ای که در یک پیش‌دبستانی در نیکوزیای شمالی قبرس بودند موردمطالعه قرار گرفتند. داده‌های پژوهش از طریق فرم اطلاعات شخصی حاوی اطلاعات جمعیت شناختی والدین و فرزندان، مقیاس اکتساب ارزش‌های اجتماعی پیش‌دبستانی و مقیاس نگرش والدین جمع‌آوری شد. تجزیه‌وتحلیل داده‌های مربوط به ارزش‌هایی که کودکان کسب کردند نشان داد که شیوه‌های فرزند پروری سهل‌گیرانه و بیش‌ازحد محافظت‌کننده در اکتساب ارزش‌های اجتماعی فرزندان نسبت به سبک فرزند پروری دموکراتیک نمرات کمتری کسب کردند. علاوه بر این کاهش یادگیری اجتماعی در پژوهش حسین (۲۰۱۸) نیز تائید شده است.

کاهش شایستگی اجتماعی و ارتباط بیانی: سان و همکاران[7] (۲۰۲۳) نشان دادند که کنترل بیش‌ازحد مادر به‌طور غیرمستقیم مشکلات درونی سازی کودک را از طریق ارتباط منفی با شایستگی اجتماعی پیش‌بینی می‌کند. کلینکی و مایلز-کونس[8] (۲۰۱۳) نیز با مشاهده ۲۳۰ مادری که با کودکان ۶، ۲۴، ۳۶ ماهه در تعامل بودند دریافتند که فرزند پروری مزاحم باعث کاهش ارتباط بیانی و کارکردهای هوشمندانه در کودکان می‌شود.

کاهش استقلال: دالکویست و همکاران[9] (۲۰۱۵) نشان دادند که شیوه‌های فرزند پروری بسیار درگیر که ازنظر پزشکی برای مدیریت آلرژی غذایی ضروری هستند، ممکن است به محیط‌هایی سرایت کنند که در آن سطوح بالایی از درگیری موردنیاز نیستو به همین سبب کودکان خردسال مبتلابه آلرژی غذایی در معرض خطر افزایش مشکلات در رشد استقلال قرار دارند. سالمین و همکاران[10] (۲۰۲۱) نیز کاهش استقلال را درنتیجه سبک فرزند پروری بیش‌ازحد محافظ پیش‌بینی کردند.

جدول ۱: خلاصه یافته‌های مطالعات پیرامون ارتباط فراوالدگری و سلامت زیستی-روان‌شناختی-اجتماعی کودکان

نویسنده (سال)	هدف پژوهش	جامعه و نمونه	کشور	پیامد زیستی-روان‌شناختی-اجتماعی	نتایج

[1] Becker & Ginsburg
[2] Gilbert et al.
[3] Stevenson & Crnic
[4] Kawabata, Tseng & Gau
[5] Kho, C., Main, Chung & Zhou
[6] Ulu & Erdentuğ
[7] Sun et al.
[8] Clincy & Mills-Koonce
[9] Dahlquist et al.
[10] Salmin et al.

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-18]

ویلیامز، لامب و مک‌کارتی (۲۰۱۵)	بررسی تأثیرات رفتارهای والدینی و تغذیه کودک	کودکان	استرالیا	تغذیه نامناسب	محافظت بیش‌ازحد والدین با تغذیه نامناسب در بیماران لوسمی لنفوبلاسمی حاد ارتباط مثبت داشت.
تیلور و همکاران (۲۰۱۳)	بررسی رابطه خطرات محیطی، کنترل با زحمت کشی، آلفا آمیلاز و کورتیزول	کودکان	آمریکا	عدم تعادل هورمون ها	والدین مزاحم-بیش‌ازحد کنترل‌کننده افزایش سطوح آلفا آمیلاز و کورتیزول را پیش‌بینی کردند.
آذر و همکاران (۲۰۰۷)	بررسی رابطه افسردگی اساسی، اختلال سلوک و کنترل بیش‌ازحد مادر با پاسخ کورتیزول نوزادان	کودکان	کانادا	عدم تعادل هورمون ها	مادران مبتلابه افسردگی اساسی و مادران متوسط تا بسیار کنترل‌کننده واکنش کورتیزول را افزایش دادند.
بورلی و همکاران (۲۰۱۹)	بررسی همزمانی قشر آدرنال مغز در رابطه کنترل بیش‌ازحد مادرانه و سنین رشد کودک	کودکان	آمریکا	عدم تعادل هورمون ها	کنترل بیش‌ازحد الگوی منحصربه‌فردی از همزمانی کورتیزول را در رابطه والد-فرزند نشان داد که بیشترین حد آن در رابطه مادر و فرزند بود.
گانر و همکاران (۲۰۱۰)	بررسی ارتباط بین مراقبت‌های روزانه خانواده و افزایش سطح کورتیزول	کودکان	آمریکا	عدم تعادل هورمون ها	فرزند پروری مزاحم و کنترل بیش‌ازحد والدین با افزایش کورتیزول در کودکان همبستگی مثبت داشت.
پیزو و همکاران (۲۰۲۲)	بررسی رابطه محافظت بیش‌ازحد والدین و مشکلات خواب	کودکان	کانادا	مشکلات خواب	سبک فرزند پروری بیش‌ازحد محافظ اختلال در خواب کودکان را پیش‌بینی کرد و اختلال در خواب سلامت روانی و جسمانی آینده کودک را به خطر می‌اندازد.
کایل، هامل و لوبی (۲۰۱۵)	بررسی ترشح کورتیزول و مشکلات خواب کودکان با نقش واسطه‌ای کنترل بیش‌ازحد والدین	کودکان	آمریکا	مشکلات خواب	مشکلات خواب درنتیجه استفاده از این سبک برای فرزندان پیش‌بینی شد.
چو و همکاران (۲۰۱۲)	بررسی مقایسه‌ای مشکلات خواب کودکان مبتلابه اوتیسم با خواهر برادران آن‌ها	کودکان	تایوان	مشکلات خواب	همبستگی مثبتی بین محافظت بیش‌ازحد والدین و بی‌خوابی میانی و اختلال برنامه خواب‌وبیداری کودکان وجود داشت.
مونش و همکاران (۲۰۱۷)	بررسی تأثیر هیجانات ابراز شده والدین بر خوردن عاطفی کودک	کودکان (۸ تا ۱۳ سال)	سوئیس	اختلال در غذا خوردن	سبک فرزند پروری بیش‌ازحد درگیر تا حدی غذا خوردن هیجانی-احساسی کودک را پیش‌بینی نمود.
گاناپراکاسم و همکاران (۲۰۲۳)	بررسی ارتباط بین والدگری هلیکوپتری و اضطراب در بین کودکان دبستانی	کودکان	مالزی	اضطراب و افسردگی	ارتباط معنی‌داری بین فرزند پروری هلیکوپتری و انواع اختلالات اضطرابی ازجمله اضطراب اجتماعی، اضطراب فراگیر، پانیک،

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-18]

					اجتناب قابل‌توجه از مدرسه و اضطراب جدایی یافت شد.
لاورین و همکاران (۲۰۱۵)	بررسی ارتباط بین کنترل والدینی، اجبار و محافظت بیش‌ازحد و توسعه اضطراب	کودکان	کانادا	اضطراب و افسردگی	محافظت بیش‌ازحد تنها زمانی که افسردگی مادر بالا باشد اضطراب کودک را افزایش می‌دهد و درنهایت محافظت بیش‌ازحد برای پیش‌بینی گزارش‌های معلمان کلاس دوم از اضطراب کودکان یافت شد.
مولر، مایدانژیچ و بوگلس (۲۰۱۵)	بررسی ارتباط بین اضطراب و رفتار والدینی با اضطراب نوزاد	کودکان	هلند	اضطراب و افسردگی	درگیری بیش‌ازحد پدران با نوزاد، با اضطراب بیشتر نوزاد همراه بود.
هادسون و داد (۲۰۱۲)	بررسی چگونگی پیش‌بینی اضطراب کودک، بازداری رفتاری، درگیری بیش‌ازحد، منفی گرایی، دل‌بستگی و اضطراب مادر	کودکان	استرالیا	اضطراب و افسردگی	کودکان پیش‌دبستانی که اضطراب نشان می‌دادند دچار بازداری رفتاری بودند و با والدین بیش‌ازحد درگیر و مضطرب پیش‌بینی می‌شدند.
ونت و همکاران (۲۰۱۱)	بررسی ارتباط بین ترس والدینی از ارزیابی منفی کودک با اضطراب اجتماعی	کودکان	هلند	اضطراب و افسردگی	ترس از ارزیابی منفی کودک در پدر، اضطراب اجتماعی کودک را پیش‌بینی کرد و همچنین این عامل فرزند پروری بیش‌ازحد درگیر مادران و والدگری منفی هر دو جنس را پیش‌بینی کرد.
گار و هادسون (۲۰۰۸)	بررسی ارتباط بین سبک‌های فرزند پروری و اضطراب مادر و کودک	کودکان	استرالیا	اضطراب و افسردگی	مادران کودکان مضطرب، بیش‌ازحد محافظ، فداکار یا غیر هدفمندتر از مادران کودکان غیر مضطرب بودند.
مکلود، وود و ویز (۲۰۰۷)	بررسی ارتباط بین فرزند پروری و اضطراب کودکی	کودکان	آمریکا	اضطراب و افسردگی	کنترل والدینی بشدت با اضطراب کودکی همبستگی دارد.
بیتو، پریرا و باروس (۲۰۱۷)	بررسی راهبردهای فرزند پروری والدین برای کاهش اضطراب کودکان	کودکان	پرتغال	اضطراب و افسردگی	به‌طور قابل‌توجهی والدین از راهبردهای مبتنی بر درگیری بیش‌ازحد و اضطراب استفاده کردند.
وریک و همکاران (۲۰۱۳)	بررسی ارتباط بین بازداری رفتاری و محافظت بیش‌ازحد والدین با اضطراب کودکان	کودکان	هلند	اضطراب و افسردگی	والدین بیش‌ازحد محافظ همبستگی قابل‌توجهی با اضطراب غیراجتماعی نشان دادند.

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-18]

باس، ژائو و ترینر (۲۰۲۱)	اثرات دوجانبه خلق‌وخوی کودک نوپا و محافظت بیش‌ازحد مادر بر علائم اضطراب مادر و کودک	کودکان	آمریکا	اضطراب و افسردگی	انتقال بین نسلی اضطراب از طریق فرزند پروری بیش‌ازحد محافظ واسطه گردید.
ریو و شین (۲۰۱۸)	بررسی تأثیر اضطراب جدایی مادران شاغل، رضایت شغلی و رفتارهای بیش‌ازحد محافظتی والدین بر اضطراب جدایی	کودکان	کره	اضطراب و افسردگی	اضطراب جدایی مادران از طریق رفتارهای محافظت افراطی آن‌ها بر اضطراب جدایی کودکان تأثیر گذاشت.
لی و شین (۲۰۲۰)	بررسی رابطه بین بازداری رفتاری با اضطراب کودکان و نقش واسطه‌ای فرزند پروری بیش‌ازحد محافظ	کودکان	کره	اضطراب و افسردگی	بازداری رفتاری باعث افزایش اضطراب کودک می‌شود و والدین بیش‌ازحد محافظ این رابطه را واسطه می‌کند.
راک و موریس (۲۰۰۹)	بررسی تأثیر مؤلفه‌های فرزند پروری بر اضطراب اجتماعی کودک	کودکان	آمریکا	اضطراب و افسردگی	حمایت بیش‌ازحد مادر اضطراب اجتماعی و حمایت بیش‌ازحد پدر به اضطراب عمومی منجر می‌شود.
استرانگ (۲۰۱۵)	بررسی رابطه فراوالدگری با سبک‌های والدگری و اضطراب	کودکان	آمریکا	اضطراب و افسردگی	فراوالدگری همبستگی مثبتی با والدگری مستبدانه و اضطراب کودک دارد.
بورلی، مارگلی و ماسموسن (۲۰۱۵)	بررسی ارتباط بین کنترل بیش‌ازحد والدین و اضطراب فرزند	کودکان	آمریکا	اضطراب و افسردگی	کنترل بیش‌ازحد رفتارهای کودک توسط مادر زمینه اضطراب کودک را فراهم می‌آورد.
افرونتی و گینزبرگ (۲۰۱۲)	بررسی ارتباط بین کنترل بیش‌ازحد مادر و اضطراب فرزند	کودکان	آمریکا	اضطراب و افسردگی	کنترل بیش‌ازحد والدین از طریق کاهش قابلیت‌ها و کاهش احساس شایستگی فرزند باعث اضطراب در او می‌شود.
فستا و گینزبرگ (۲۰۱۱)	بررسی رابطه بین والدگری و اضطراب اجتماعی	کودکان	آمریکا	اضطراب و افسردگی	قوی‌ترین پیش‌بینی کننده نشانه‌های اضطراب اجتماعی کودک کنترل بیش‌ازحد والدین و پذیرش اجتماعی ادراک‌شده بود.
وینستوک (۲۰۲۱)	بررسی رابطه بین کنترل بیش‌ازحد مادرانه و پدرانه و اضطراب کودک	کودکان	آمریکا	اضطراب و افسردگی	اضطراب کودک درنتیجه این سبک والدگری پیش‌بینی شد.
پارتینگتون و همکاران (۲۰۱۸)	بررسی رابطه کنترل بیش‌ازحد والدین و فعال شدن سیستم سمپاتیک کودک	کودکان	آمریکا	اضطراب و افسردگی	این سبک به‌طور قابل‌توجهی اضطراب در کودک را پیش‌بینی کرد و از نتایج دیگر آن افزایش رفتارهای واکنشی و فعال شدن سیستم سمپاتیک کودک گزارش شد.

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-18]

گیلبرت و همکاران (۲۰۲۰)	بررسی رابطه بین کنترل بیش‌ازحد و پاسخ عصبی به خطاهای اختلالات اضطرابی	کودکان	آمریکا	اضطراب و افسردگی	تأثیرات این سبک برافزایش افسردگی، اضطراب و بیش فعالی تائید شد.
چوروت و همکاران (۲۰۱۷)	بررسی رابطه والدگری و دل‌بستگی به‌عنوان پیش‌بینی کننده اضطراب و افسردگی	کودکان	اسپانیا	اضطراب و افسردگی	کنترل بیش‌ازحد والدین واریانس منحصربه‌فردی برای اضطراب به‌حساب می‌آید.
بیتو و همکاران (۲۰۱۶)	ارتباط بین انواع مختلف فرزند پروری با اضطراب مادر، پدر و کودک	کودکان	پرتغال	اضطراب و افسردگی	درگیری بیش‌ازحد والدین اضطراب و نگرانی را در کودک پیس بینی می‌کند.
هادسون، داد و بووپولوس (۲۰۱۱)	بررسی رابطه بین محیط خانواده و اضطراب کودکان پیش‌دبستانی	کودکان	استرالیا	اضطراب و افسردگی	سبک فرزند پروری بیش‌ازحد درگیر از عوامل پیش‌بینی کننده اضطراب در کودکان پیش‌دبستانی است.
الدهینکل و همکاران (۲۰۰۶)	بررسی رابطه فرزند پروری با نشانه‌های افسردگی	کودکان	هلند	اضطراب و افسردگی	همبستگی مثبت بین سبک فرزند پروری بیش‌ازحد محافظ و نشانه‌های افسردگی تائید شد.
فاکس و همکاران (۲۰۲۳)	بررسی رابطه کنترل بیش‌ازحد و گرمی والدینی با افسردگی و اضطراب	کودکان	آمریکا	اضطراب و افسردگی	زمانی که گرمای والدینی پایین بود کنترل بیش‌ازحد والدین باعث افزایش افسردگی کودک می‌شد.
آرمور و همکاران (۲۰۱۸)	تأثیر والدگری بر ترس و تحریک‌پذیری	کودکان	کانادا	اختلالات مرتبط با آسیب و عوامل استرس‌زا	همبستگی مثبت بین محافظت بیش‌ازحد والدینی و ترس کودکان تائید شد.
بیلماز، ارسلان و ارسلان (۲۰۲۱)	بررسی ارتباط بین نگرش هلیکوپتری مادرانه با تجربیات تروماتیک و درماندگی آموخته‌شده	کودکان	ترکیه	اختلالات مرتبط با آسیب و عوامل استرس‌زا	ترومای شدید و ناتوانی آموخته‌شده درنتیجه سبک فرزند پروری هلیکوپتری مادر پیش‌بینی شد.
سار و همکاران (۲۰۲۱)	بررسی نسخه ترکی پرسشنامه ترومای کودک بعلاوه کنترل و محافظت بیش‌ازحد به‌عنوان عوامل دیگر	کودکان	ترکیه	اختلالات مرتبط با آسیب و عوامل استرس‌زا	محافظت و کنترل بیش‌ازحد به‌طور ویژه با سوءاستفاده عاطفی و غفلت و انواع تروماهای دیگر مرتبط بود.
هادسون و همکاران (۲۰۱۱)	بررسی ارتباط بین محیط خانوادگی و اختلال اضطرابی کودک	کودکان	استرالیا	بازداری رفتاری	سبک فرزند پروری بیش‌ازحد درگیر با افزایش بازداری رفتاری اضطراب را در کودکان افزایش می‌دهد.

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-18]

هادسون، کامر و کندال (۲۰۰۸)	بررسی نقش هیجان‌های چندگانه و اضطراب والدین در طول تعاملشان باهم در کودکان دارای اختلال اضطرابی و کودکان غیر اضطرابی	کودکان	استرالیا	بازداری رفتاری	مادران کودکانی که اختلال اضطرابی داشتند بیش‌ازحد درگیر بودند و رفتار مزاحمی درزمانی که کودک یک عاطفه منفی را تجربه می‌کرد انجام می‌دادند.
بورخوس و همکاران (۲۰۱۱)	نقش واسطه‌ای سروتونین در ارتباط بین فرزند پروری بیش‌ازحد محافظتی و بازداری رفتاری	کودکان	آمریکا	بازداری رفتاری	این سبک باعث افزایش بازداری رفتاری کودکان گردید.
گری و همکاران (۲۰۱۲)	بررسی تأثیر فرزند پروری بیش‌ازحد محافظ بر اضطراب کودک بعلاوه بررسی نقش مشکلات رفتاری	کودکان	نروژ	مشکلات رفتاری و هیجانی	این سبک با افزایش اضطراب کودکان از طریق افزایش مشکلات رفتاری مرتبط بوده و به طرز قابل‌توجهی این سبک مشکلات رفتاری کودکان را افزایش می‌دهد.
کوکلین و همکاران (۲۰۱۳)	تعیین روابط آینده‌نگر بین اضطراب جدایی مادر و والدگری بیش‌ازحد محافظ با عملکرد اجتماعی عاطفی کودک در سال اول	کودکان	استرالیا	مشکلات رفتاری و هیجانی	اضطراب جدایی مادر با رفتارهای محافظتی افراطی همبستگی مثبت دارد و از طریق رفتارهای محافظتی افراطی باعث تضعیف عملکرد اجتماعی-عاطفی کودک و شکل‌گیری مشکلات رفتاری می‌شود.
حسین (۲۰۱۸)	بررسی ارتباط بین فرزند پروری هلیکوپتری با یادگیری اجتماعی-هیجانی کودکان	کودکان	آمریکا	مشکلات رفتاری و هیجانی و کاهش سطح یادگیری و کسب ارزش‌های اجتماعی	نتایج نشان دادند که افزایش سبک فرزند پروری هلیکوپتری سطح یادگیری اجتماعی-هیجانی کودکان را کاهش می‌دهد.
مک ورتر و همکاران (۲۰۲۰)	بررسی نقش تعاملی محافظت افراطی در رابطه بین استرس پس از سانحه والدین با مشکلات عاطفی و رفتاری فرزند	کودکان	آمریکا	مشکلات رفتاری و هیجانی	محافظت بیش‌ازحد به‌طور کامل رابطه بین استرس پس از سانحه والدین و مشکلات هیجانی/رفتاری کودک را واسطه کرد.
ویلیامز، لامب و مک‌کارتی (۲۰۱۴)	تأثیر راهبردهای فرزند پروری بر رفتار کودک	کودکان	استرالیا	مشکلات رفتاری و هیجانی	سبک فرزند پروری بیش‌ازحد محافظ با مشکلات رفتاری و هیجانی کودکان همبستگی مثبت دارد.
سوارز و همکاران (۲۰۲۱)	بررسی ارتباط بین بازداری رفتاری کودک با تنظیم عاطفی و اضطراب اجتماعی	کودکان	آمریکا	مشکلات رفتاری و هیجانی	کودکانی که بازداری رفتاری بیشتری از خود نشان دادند و رفتارهای فرا مطالبه گر از والدین خود ادراک نمودند با اضطراب اجتماعی بیشتر و تنظیم هیجانی کمتر مواجه بودند.

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-18]

	بعلاوه بررسی نقش میانجی فرزند پروری				
پری و همکاران (۲۰۱۸)	بررسی ارتباط طولی کنترل بیش‌ازحد والدین با خودتنظیمی در دوران اولیه کودکی و سازگاری اجتماعی، عاطفی و تحصیلی در دوران پیش از نوجوانی	کودکان	آمریکا	مشکلات رفتاری و هیجانی، وضعیت تحصیلی	کنترل بیش‌ازحد والدین در سن ۲ سالگی با تنظیم هیجانی و کنترل بازدارنده در سن ۵ سالگی رابطه منفی داشت و این مؤلفه‌ها به نوبه خود با مشکلات عاطفی، مدرسه‌ای و مهارت‌های اجتماعی کمتر مرتبط‌اند و در سن ۱۰ سالگی بهروری کمتر تحصیلی را شامل می‌شود.
پارک، شیم و بیون (۲۰۱۴)	رابطه تاب‌آوری و شرکت در بازی های تعاملی کودکان با نگرش بیش‌ازحد محافظ والدین	کودکان	کره	مهارت‌های زندگی ضعیف	کاهش نگرش محافظت بیش‌ازحد در والدین تاب‌آوری کودکان را افزایش می‌دهد و بعلاوه تاب‌آوری نیز با بازی های تعاملی کودکان همبستگی مثبت دارد.
التمیمی و القضاه (۲۰۱۹)	تأثیر سبک فرزند پروری والدین بر سطوح خلاقیت فرزند	کودکان	اردن	مهارت‌های زندگی ضعیف	سبک فرزند پروری بیش‌ازحد محافظ با خلاقیت کودکان رابطه منفی داشت.
هارویسون و همکاران (۲۰۰۸)	بررسی نقش واسطه‌ای کنترل والدینی در الگوهای اضطرابی والد-فرزندی	کودکان	آمریکا	مهارت‌های زندگی ضعیف	کنترل بی‌عاطفه مادری رابطه بین اضطراب کودک و کناره‌گیری او از وظایف دشوار را واسطه می‌کند.
گولنس و همکاران (۲۰۱۸)	بررسی رابطه بین سلامت روانی و فرزند پروری والدین با رفتارهای کودک	کودکان	سوئد	مشکلات درونی سازی و برونی‌سازی	فرزند پروری بیش‌ازحد درگیر و انضباط سخت پدرانه با مشکلات درونی سازی مرزی/بالینی همراه بود.
گولنس و همکاران (۲۰۱۱)	بررسی تأثیر استرس و شیوه‌های فرزند پروری والدین بر درونی سازی و برونی‌سازی کودک	کودکان	سوئد	مشکلات درونی سازی و برونی‌سازی	فرزند پروری بیش‌ازحد درگیر و انضباط سخت پدرانه با مشکلات درونی سازی مرزی/بالینی همراه بود.
رز و همکاران (۲۰۱۸)	بررسی رابطه بین والدگری با رفتارهای درونی سازی	کودکان	آفریقای جنوبی	مشکلات درونی سازی و برونی‌سازی	فرزند پروری بیش‌ازحد درگیر با رفتارهای درونی سازی کودکان مرتبط است.
بایر، سنسون و همفیل (۲۰۰۹)	بررسی طولی تأثیر استرسورهای اصلی خانوادگی و مشکلات درونی سازی	کودکان	استرالیا	مشکلات درونی سازی و برونی‌سازی	فرزند پروری بیش‌ازحد درگیر و بیش‌ازحد محافظ با رفتارهای درونی سازی کودکان مرتبط است.
بایر، سنسون و همفیل (۲۰۰۶)	بررسی ارتباط تأثیرات والدین بر مشکلات درونی سازی کودکان	کودکان	استرالیا	مشکلات درونی سازی و برونی‌سازی	در درجه اول مشکلات درونی سازی کودک در والدین بیش‌ازحد درگیر و بیش‌ازحد محافظ مشخص گردید.

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-18]

بایر و همکاران (۲۰۱۰)	بررسی طولی تأثیر عوامل والدینی بر درونی سازی کودک	کودکان	استرالیا	مشکلات درونی سازی و برونی‌سازی	از عوامل مؤثر بر شکل‌گیری درونی سازی و مشکلات ثانوی آن برای کودک، درگیری بیش‌ازحد و محافظت بیش‌ازحد والدینی است.
باربات و همکاران (۲۰۱۴)	بررسی تأثیر فرزند پروری مادر بر سازگاری کودک	کودکان	بلژیک	مشکلات درونی سازی و برونی‌سازی	یکی از سازه‌های سازگاری کودک مشکلات درونی سازی و برونی‌سازی بود که توسط درگیری بیش‌ازحد والدین پیش‌بینی شد.
رود، آلکون و یتس (۲۰۱۷)	بررسی رابطه فرزند پروری مزاحم و مشکلات رفتاری	کودکان	آمریکا	مشکلات درونی سازی و برونی‌سازی	سبک والدگری مزاحم با مشکلات درونی سازی و برونی‌سازی کودک مرتبط بود.
مایر، کگلی و کلین، (۲۰۲۲)	بررسی نقش واسطه‌ای محافظت بیش‌ازحد در رابطه بین اضطراب و بیش فعالی	کودکان	آمریکا	بیش فعالی	محافظت بیش‌ازحد والدین همبودی بین بیش فعالی و اضطراب کودکان را واسطه می‌کند.
فلاسچینی و همکاران (۲۰۲۰)	بررسی تعامل بین محافظت بیش‌ازحد و نارس/دیررس متولد شدن کودک در شکل‌گیری بیش فعالی و تکانش گری	کودکان	کانادا	بیش فعالی	هر دو متغیر به‌صورت تعاملی بر شکل‌گیری بیش فعالی و تکانش گری کودک مؤثر بودند.
ایسیک و باهات (۲۰۲۱)	بررسی پاسخ معلمان به والدین هلیکوپتری ای که فرزندانشان موانع یادگیری را تجربه می‌کنند	کودکان	ترکیه	مشکلات تحصیلی ضعف در مهارت‌های اجتماعی	تأثیرات منفی این سبک بر جنبه‌های مختلف ارتباطات اجتماعی نشان داده‌شده است و نگرش منفی دانش‌آموز به مدرسه، انجام ندادن مسئولیت‌ها، بی‌توجهی و بی‌احساسی نسبت به اطرافیان، ناتوان دانستن خود، تردید در استعدادها و افت موفقیت تحصیلی از دیگر نتایج والدگری هلیکوپتری هستند.
لی، چنگ و واچون (۲۰۲۳)	بررسی طولی ارتباط بین درگیری بالای والدین با رشد منفی	کودکان	آمریکا	مشکلات تحصیلی	افزایش انتظارات والدین، مشارکت فشرده در فعالیت‌های فوق‌برنامه و افزایش مشارکت والدین در مدرسه با کاهش رشد نتایج کودکان مرتبط بود.
جونگ-لنترز، پاسمن و دویجستر (۲۰۲۳)	بررسی رابطه والدگری بیش‌ازحد محافظ و رفتارهای مخرب کودک حین درمان دندان‌پزشکی	کودکان	هلند	رفتارهای مخرب و پرخطر	والدگری به‌صورت بیش‌ازحد محافظ با رفتارهای مخرب بیشتر کودک در طول درمان دندان‌پزشکی همبستگی مثبت داشت.
آکدمیر، بانکو-بال و سویملی-کلیک (۲۰۲۳)	بررسی رابطه متغیرهای والدینی و سبک‌های فرزند پروری با گرایش فرزند به بازی های پرخطر	کودکان	کانادا	رفتارهای مخرب و پرخطر	همبستگی مثبت و قابل‌توجهی بین محافظت بیش‌ازحد و گرایش به بازی های پرخطر وجود داشت.
کایلین و همکاران (۲۰۲۱)	بررسی رابطه سبک‌های فرزند پروری با افراط در	کودکان	ترکیه	رفتارهای مخرب و پرخطر	همبستگی مثبت بین زیرمقیاس محافظت بیش‌ازحد و سهل گیری والدینی با در معرض

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-18]

	استفاده از صفحات الکترونیکی کودکان پیش‌دبستانی				صفحه‌نمایش قرار گرفتن کودکان به‌صورت افراطی مرتبط بود.
فاکس و همکاران (۲۰۲۲)	بررسی نقش کنترل بیش‌ازحد والدین در رابطه بین قربانی شدن همسالان، شناخت تهدید اجتماعی و اضطراب اجتماعی	کودکان	آمریکا	رفتارهای مخرب و پرخطر	مشخص شد که کنترل بیش‌ازحد مادر نقش تعدیل‌کننده دارد، به‌طوری‌که قربانی شدن همسالان در ابتدا با شناخت تهدید اجتماعی همراه بود و یک سال بعد فقط در دانش‌آموزانی که کنترل بیش‌ازحد بالا را گزارش کردند وجود داشت.
مودرا و همکاران (۲۰۲۲)	بررسی رابطه مهار رفتاری با اضطراب مادر، رفتارهای محافظتی بیش‌ازحد و خلق‌وخوی نوزاد	کودکان	آلمان	پریشانی	اضطراب والدینی باعث شکل‌گیری رفتارهای افراطی محافظت از فرزند می‌شد و از این طریق پریشانی فرزند را تشدید می‌نمود.
بکر و گینزبرگ (۲۰۱۱)	بررسی ارتباط بین اضطراب، رفتارها و انتظارات والدین با ارزیابی از خود کودک	کودکان (۶ تا ۱۴ سال)	آمریکا	ارزیابی منفی از خود	اضطراب و کنترل بیش‌ازحد والد با ارزیابی منفی کودک از خودهمبستگی مثبت داشت.
گیلبرت و همکاران (۲۰۲۲)	بررسی ارتباط بین بازداری و کنترل بیش‌ازحد والدین با اضطراب، عملکرد شناختی و وسواس رفتاری-جبری	کودکان	آمریکا	وسواس فکری-عملی	کنترل بیش‌ازحد با بدتر شدن تغییر شناختی، افزایش کنترل بازدارنده، افزایش اضطراب و وسواس رفتاری-جبری مرتبط بود.
سوات (۲۰۱۸)	تأثیر سبک‌های فرزند پروری بر مهارت‌های اجتماعی	کودکان	ترکیه	ضعف در مهارت‌های اجتماعی	سبک فرزند پروری بیش‌ازحد محافظ بر کاهش اکتساب مهارت‌های اجتماعی فرزندان تأثیر قابل‌توجهی دارد.
گیلبرت، برچ و لوبی (۲۰۲۰)	اعتبار سنجی رفتاری و عصبی گزارش والدین از کنترل بیش‌ازحد کودک	کودکان	آمریکا	ضعف در مهارت‌های اجتماعی	کنترل بیش‌ازحد والدین بر کاهش تغییر شناختی و اجتماعی منجر گردید.
استیونسون و کرنیک (۲۰۱۳)	بررسی تأثیر فرزند پروری مزاح پدر با مهارت‌های اجتماعی و خودتنظیمی	کودکان	آمریکا	ضعف در مهارت‌های اجتماعی	فرزند پروری مزاحم پدر بر روی مهارت‌های اجتماعی کودکان دارای تأخیر رشد تأثیر منفی داشت.
کاواباتا، تسنگ و گائو، (۲۰۱۲)	بررسی رابطه بین بیش فعالی با تنظیم روابط اجتماعی با نقش واسطه‌ای سبک فرزند پروری	کودکان	تایوان	ضعف در مهارت‌های اجتماعی	محافظت بیش‌ازحد مادرانه رابطه بین نقص توجه با افزایش مشکلات در ایجاد و حفظ رابطه دوستی کودکان را به‌گونه‌ای تعدیل نمود که افزایش این سبک باعث افزایش مشکلات ارتباطی مذکور می‌شد.
خو و همکاران (۲۰۱۹)	بررسی رابطه بین گرایشات فرهنگی و سازگاری	کودکان	آمریکا	ضعف در مهارت‌های اجتماعی	فرزند پروری مزاحم بر سازگاری کودکان تأثیر منفی می‌گذاشت.

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-18]

اولو و ارتندوگ (۲۰۱۸)	بررسی رابطه سبک‌های فرزند پروری و اکتساب ارزش‌های اجتماعی کودک	کودکان	قبرس	کاهش سطح یادگیری و کسب ارزش‌های اجتماعی	همبستگی پایینی بین سبک والدگری بیش‌ازحد محافظ و سهل گیر و کاهش اکتساب ارزش‌های اجتماعی مشاهده شد.
سان و همکاران (۲۰۲۳)	بررسی رابطه کنترل بیش‌ازحد مادر و مشکلات درونی سازی کودک از طریق متغیر واسطه‌ای شایستگی اجتماعی	کودکان	آمریکا	کاهش شایستگی اجتماعی و ارتباط بیانی	کنترل بیش‌ازحد مادر به‌طور غیرمستقیم مشکلات درونی سازی کودک را از طریق ارتباط منفی با شایستگی اجتماعی پیش‌بینی می‌کند.
کلینکی و مایلز- کونس (۲۰۱۳)	بررسی رابطه فرزند پروری مزاحم و نتایج مدرسه‌ای	کودکان	آمریکا	کاهش شایستگی اجتماعی و ارتباط بیانی	فرزند پروری مزاحم باعث کاهش ارتباط بیانی و کارکردهای هوشمندانه می‌شود.
دالکوییست و همکاران (۲۰۱۵)	بررسی تأثیر تربیت بر حل مسئله مستقل کودکان مبتلابه آلرژی غذایی	کودکان	آمریکا	کاهش استقلال	شیوه‌های فرزند پروری بسیار درگیر که ازنظر پزشکی برای مدیریت آلرژی غذایی ضروری هستند، ممکن است به محیط‌هایی سرایت کنند که در آن سطوح بالایی از درگیری موردنیاز نیست، و کودکان خردسال مبتلابه آلرژی غذایی ممکن است در معرض خطر افزایش مشکلات در رشد استقلال باشند.
سالمین و همکاران (۲۰۲۱)	بررسی تأثیر نگرش بیش‌ازحد محافظ والدین در رشد فرزند	کودکان	اندونزی	کاهش استقلال	از نتایج این سبک کاهش استقلال کودک گزارش شد.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از پژوهش حاضر مطالعه مروری نظام‌مند تأثیرات منفی فراوالدگری بر سلامت زیستی-روان‌شناختی-اجتماعی کودکان بود. با مرور مطالعات و پژوهش‌ها مشخص گردید که این مفهوم یکی از متغیرهای اساسی فرزند پروری است که نه تنها تأثیرات آن بر مؤلفه‌های مختلف سلامت زیستی-روان‌شناختی-اجتماعی کودکان تائید شده است بلکه ارتباط معناداری بین این مفهوم و ابعاد گسترده سلامت فرزندان وجود دارد.

پری و همکاران (۲۰۱۸) نشان دادند که کنترل بیش‌ازحد در سنین پایین با وقوع تأثیرات منفی در سنین بعدی مرتبط است. بسیاری از مطالعات نیز تأثیرات منفی فراوالدگری بر سلامت زیستی (تیلور و همکاران، ۲۰۱۳؛ چو و همکاران، ۲۰۱۲)، روان‌شناختی (بایر و همکاران، ۲۰۱۰؛ باربات و همکاران، ۲۰۱۴؛ مایر، کگلی و کلین، ۲۰۲۲) و اجتماعی (سوات، ۲۰۱۸؛ گیلبرت، برچ و لوبی ۲۰۲۰؛ سان و همکاران، ۲۰۲۳) کودکان را تائید کردند. با توجه به تأثیرات گسترده منفی این سبک بهتر است که پژوهش‌های علمی جهانی به‌صورت جامعی موردبررسی قرار گیرند، نتایج آن‌ها به‌طور انتقادی تجزیه‌وتحلیل شود و از آن‌ها برای افزایش غنای تربیتی جامعه استفاده شود. حفاظت بیش‌ازحد، در هم تنیدگی، نازپروری، فرزند پروری مزاحم، عدم استقلال و... از ابعاد فراوالدگری هستند که تحت تأثیر افراط در ویژگی‌های مثبت والدگری ازجمله حفاظت، صمیمیت، والدگری، محبت، باهم بودن و.. قرارگرفته‌اند و با توجه به نتایج منفی این فرایند نگرانی‌هایی ایجاد نموده‌اند. جورج انگل (۱۹۷۷) سلامت انسان را در سه دسته زیستی-روان‌شناختی-اجتماعی طبقه‌بندی نموده و سلامت انسان را حاصل از نحوه تعامل این سه حوزه قلمداد می‌کند. انگل تأکید می‌کند که درمان‌های پزشکی باید این سه جنبه را به‌طور یکپارچه در نظر بگیرند تا به یک دیدگاه کامل‌تر

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-18]

از سلامت دست یابند و بعلاوه در این مدل بر اهمیت همخوانی میان مراقبت‌های جسمی و مراقبت‌های روانی و اجتماعی تأکید می‌شود. طبق نتایج این پژوهش فراوالدگری را می‌توان به‌عنوان سبکی از فرزند پروری قلمداد نمود که تأثیرات منفی آن بر سلامت زیستی-روان‌شناختی-اجتماعی کودکان بسیار است.

در راستای تعریف انگل (۱۹۷۷) تأثیرات فراوالدگری بر سلامت زیستی-روان‌شناختی-اجتماعی کودکان بررسی شد. در بعد سلامت زیستی که انگل (۱۹۷۷) آن را شامل ساختار فیزیولوژیکی، ژنتیکی و عملکرد ارگان‌ها و سیستم‌های بدن تعریف می‌کند تغذیه نامناسب (ویلیامز، لامب و مک‌کارتی، ۲۰۱۵)، عدم تعادل هورمونی (تیلور و همکاران، ۲۰۱۳) و مشکلات خواب (پیزو و همکاران، ۲۰۲۲) ازجمله تأثیراتی است که کودک از فراوالدگری دریافت می‌کند. این نتایج هم‌راستا با نتایج آذر و همکاران (۲۰۰۷) و کایل، هامل و لوبی (۲۰۱۵) است که با تأثیری که فراوالدگران بر عدم تعادل ارگانیسمی و بر هم زدن نظم طبیعی رشد کودک می‌گذارند قابل تبیین است. در بعد سلامت روان‌شناختی کودک، که به تعریف انگل (۱۹۷۷) ازجمله آن می‌توان به ویژگی‌های شخصیتی، احساسات، انگیزه‌ها و رفتارها اشاره کرد اختلال در غذا خوردن توسط مونش و همکاران (۲۰۱۷) نشان داده‌شده و اضطراب و افسردگی (گاناپراکاسم و همکاران، ۲۰۲۳؛ لاورین و همکاران، ۲۰۱۵؛ الدهینکل و همکاران، ۲۰۰۶) از دیگر تأثیراتی است که فراوالدگری بر بعد روان‌شناختی دارد و با نتایج مولر، مایدانژیچ و بوگلس (۲۰۱۵) و فاکس و همکاران (۲۰۲۳) همسو است. تئوری دل‌بستگی مبین این تأثیرات است و نشان می‌دهد رفتار ناایمن والدین، برای مثال درگیر شدن بیش‌ازحد یا کنترل بیش‌ازحد در زندگی کودک، با پیامدهای منفی برای کودکان ازجمله افزایش اضطراب و افسردگی همراه است (سیدیدیس و کافتسیوس، ۲۰۰۸؛ به نقل از گرست و گاگنون، ۲۰۱۵). اختلال مرتبط با آسیب و عوامل استرس‌زا (آرمور و همکاران، ۲۰۲۱؛ ییلماز و ارسلان، ۲۰۲۱) از دیگر نتایجی است که با دستاوردهای سار و همکاران (۲۰۲۱) هم‌جهت است و در تبیین این یافته‌ها می‌توان اینگونه انتزاع نمود که کاهش فردیت، استقلال (دالکوییست و همکاران، ۲۰۱۵) و خودکارآمدی (گرست و گاگنون، ۲۰۱۵) کودک در تنظیم هیجانی (سوارز و همکاران، ۲۰۲۲) از عوامل مؤثر بر این فرایند محسوب می‌شود. از دیگر تأثیرات منفی فراوالدگری بر سلامت روان‌شناختی کودکان بازداری رفتاری (هادسون و همکاران، ۲۰۱۱) و مشکلات رفتاری و هیجانی (مک ورتر و همکاران، ۲۰۲۲) است. این یافته‌ها با نتایج بورخوس و همکاران (۲۰۱۱) و ویلیامز، لامب و مک‌کارتی (۲۰۱۴) هم‌راستا است و در تبیین این نتایج می‌توان گفت که ادراک درماندگی فرزند، خود ناتوان پنداری او، کاهش دامنه تجربه رفتارها و هیجانات برای کودک، اجتناب کودک از وظایف دشوار (هارویسون و همکاران، ۲۰۰۸) و منع رفتارهای رشد دهنده کودک در حل مسائل شخصی توسط فراوالدگران و در پی آن کاهش تاب‌آوری کودکان (پارک، شیم و بیون، ۲۰۱۴) از مهم‌ترین مکانیسم‌هایی است که تأثیرات فراوالدگری را بر شکل‌گیری بازداری رفتاری و مشکلات رفتاری و هیجانی کودکان توضیح می‌دهد. نظریه در هم تنیدگی خانواده، که معتقد است والدین از فرزندان خود برای ارضای اهداف ناقص، پشیمانی یا اضطراب خود استفاده می‌کنند، مبنای انگیزشی برای فرزند پروری بیش‌ازحد فراهم می‌کند. از منظر نظریه در هم تنیدگی نیز، والدین اهداف خود را بر روی فرزندشان فرافکنی می‌کنند، زندگی فرزندشان را بیش‌ازحد کنترل می‌کنند و موفقیت‌ها و شکست‌های فرزندشان را به‌صورت نیابتی تجربه می‌کنند (سگرین، و همکاران، ۲۰۱۳). مهارت‌های زندگی ضعیف (التمیمی و القضاه، ۲۰۱۹) نیز با کاهش فرصت آزمون‌وخطا و کاهش فرصت‌های حل مسئله به خاطر مداخلات افراطی والدین در این سبک قابل تبیین است که با نتایج شیم و بیون (۲۰۱۴) هم‌راستاست. مشکلات درونی سازی و برونی‌سازی (گولنس و همکاران، ۲۰۱۸؛ رود و آلکون و یتس، ۲۰۱۷) نیز از تأثیرات روان‌شناختی فراوالدگری بر کودکان گزارش‌شده که با نتایج باربات و همکاران (۲۰۱۴) هم‌راستا است و با درگیری افراطی و مزاحمت والدین تبیین شده است و از طریق کاهش استقلال کودک مرزهای صحیح درونی سازی و برونی‌سازی را دچار اختلال می‌کند. افزایش مشکلات تحصیلی (لی، چنگ و واچون، ۲۰۲۳) که هم‌راستا با نتایج ایسیک و باهات (۲۰۲۱) و هو و همکاران (۲۰۲۰) است تحت تأثیر فراوالدگری گزارش‌شده است و طبق روند افزایش دخالت‌های والدین و کاهش خودمختاری و خودکارآمدی تحصیلی تبیین می‌شود. انواع مختلف رفتارهای پرخطر تحت تأثیر فراوالدگری گزارش‌شده است (کایلین و همکاران، ۲۰۲۱) که با نتایج (فاکس و همکاران، ۲۰۲۲؛ آکدمیر، بانکو-بال و سویملی-کلیک، ۲۰۲۳) هم‌راستا است. این تأثیر احتمالاً حاکی از تلاش کودک برای جبران استقلال ازدست‌رفته با انجام رفتارهای افراطی

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-18]

است. پریشانی (مودرا و همکاران، ۲۰۲۲)، خودارزیابی منفی (بکر و گینزبرگ، ۲۰۱۱) و وسواس فکری-عملی (گیلبرت و همکاران، ۲۰۲۲) نیز از دیگر نتایج فراوالدگری بر سلامت روان‌شناختی کودکان است و در پریشانی کاهش احساس خودیت کودک و پذیرش مشروط او توسط والدین، در خودارزیابی منفی القای کمال‌گرایی و ناکافی بودن کودک توسط والدین و در وسواس فکری-عملی اضطراب وافر کودک از مرتکب اشتباه شدن، الگوبرداری از رفتارهای وسواس گونه والدین در تربیت و القای کمال‌گرایی توسط والدین ارتباط بین فراوالدگری با این مؤلفه‌ها را تبیین می‌کنند.

انگل (۱۹۷۷) سلامت اجتماعی را شامل روابط فردی، حمایت‌های اجتماعی، فرهنگ و روابط اقتصادی و محیطی می‌داند. طبق این تعریف از مؤلفه‌های تأثیر فراوالدگری بر بعد سلامت اجتماعی کودکان شکل‌گیری مهارت‌های اجتماعی ضعیف است (سوات، ۲۰۱۸؛ کاواباتا، تسنگ و گائو، ۲۰۱۲) که با نتایج استیونسون و کرنیک (۲۰۱۳) هم‌راستاست. در تبیین این نتایج می‌توان گفت که والدینی که از سبک فراوالدگری استفاده می‌کنند دائماً در پی حل مشکلات ارتباطی و اجتماعی آن‌ها هستند و به این خاطر که پدر و مادر سعی می‌کنند کودک را از مواجهه با مشکلات ارتباطی و اجتماعی مصون بدارند به‌صورت ناخواسته این تأثیر را نیز برای کودکان رقم می‌زنند. کاهش سطح یادگیری اجتماعی (حسین، ۲۰۱۸)، کاهش اکتساب ارزش‌های اجتماعی (اولو و ارتندوگ، ۲۰۱۸)، کاهش شایستگی اجتماعی (سان و همکاران، ۲۰۲۳) و کاهش ارتباطات بیانی (کلینکی و کونس، ۲۰۱۳) از دیگر نتایجی است که تحت تأثیر سبک فراوالدگری قرار دارند. در تبیین کاهش سطح یادگیری و کسب ارزش‌های اجتماعی کودک می‌توان گفت که والدین به خاطر افراط در برطرف کردن نیازهای زیستی کودک دلیلی برای او بجهت برقراری روابط با دیگران، یادگیری از آن‌ها و یافتن راه‌ها و ارزش‌های کسب این نیازها باقی نمی‌گذارند و با ایجاد وابستگی عاطفی برای کودک آن‌ها را در مقام نخست از برقراری رابطه عاطفی با دیگران محروم می‌کنند و این فرایند به‌مرور کاهش سطح یادگیری و کسب ارزش‌های اجتماعی را نشان می‌دهد. در تبیین کاهش شایستگی اجتماعی و ارتباطات بیانی کودک نیز گمان می‌رود که فراوالدگری با کاهش احتمالی تعاملات اجتماعی در دنیایی واقعی و ایجاد فضایی عاری از مسائل و مشکلات میان فردی بر تسلط اجتماعی فرزندان تأثیر گذاشته و شایستگی روابط و ارتباطات بیانی آن‌ها را کاهش می‌دهد. از دیگر تأثیرات منفی فراوالدگری بر سلامت اجتماعی کودکان کاهش استقلال است (دالکویست و همکاران، ۲۰۱۵) و به‌صورت مشابهی در پژوهش سالمین و همکاران (۲۰۲۱) نیز تائید شده است. از دیدگاه نظریه سیستم‌های خانواده فراوالدگری با در هم تنیدگی بالا توصیف می‌شود زیرا که در این سبک مرزها نازک هستند و استقلال کمی به اعضای خانواده و علی‌الخصوص کودکان داده می‌شود.

داده‌های مصاحبه‌های مختلف ویژگی‌های شناختی، عاطفی و رابطه‌ای را در بین افرادی که به‌عنوان والدین سالم تلقی می‌شوند، نشان داد. درنتیجه، والدین سالم (الف) ابراز قدردانی می‌کنند (ب) ریسک‌پذیری را تشویق می‌کنند ج) برای افزایش سن کودک ارزش قائل می‌شوند (د) دیدگاهی واقع‌بینانه از اهداف کودک دارند ه) اشتباهات را می‌پذیرند (و) ازنظر عاطفی مستقل هستند (ز) به‌جای احساسات توسط حقایق هدایت می‌شوند ح) زندگی متعادلی دارند (ط) دارای مهارت‌های ارتباطی هستند (ی) انعطاف‌پذیری بالایی دارند (ک) به اهمیت یک اتحاد کاری خوب اعتقاددارند(اینگن، مور و فوملر، ۲۰۰۸). نتایج از این ایده حمایت می‌کند که راهبردهای فرزند پروری که مقادیر مناسبی از شایستگی و استقلال اجتماعی-عاطفی را در کودکان تسهیل می‌کند ممکن است در برابر مشکلات اجتماعی و عاطفی محافظت کند(ماروساک و همکاران، ۲۰۱۸).

بر اساس نتایج مطالعه حاضر به پژوهشگران توصیه می‌شود، ابعاد پنهان و تأثیرات این سبک را بر روی کودکان ایرانی و گروه‌های مختلف سنی بررسی نمایند و نتایج آن را با مطالعات انجام‌شده در خارج از کشور، مقایسه نمایند. نتایج پژوهش حاضر برای تمامی افراد و نهادهایی که به نحوی در پی ارتقای سلامت زیستی-روان‌شناختی-اجتماعی کودکان‌اند می‌تواند مفید باشد و کاربرد زیادی برای معلمان، مشاوران، فعالان تربیتی-آموزشی و والدین داشته باشد.

References

Affrunti, N. W., & Ginsburg, G. S. (2012). Maternal overcontrol and child anxiety: The mediating role of perceived competence, Child Psychiatry & Human Development 43, 102-112. https://link.springer.com/article/10.1007/s10578-011-0248-z

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-18]

Akdemir, K., Banko-Bal, Ç. & Sevimli-Celik, S. (2023). Living Children permission for risky play: parental variables and parenting styles, Journal of Outdoor and Environmental Education, 1-18. https://link.springer.com/article/10.1007/s42322-023-00122-8

Al–Tamimi, A., & Al-Qudah, M. A. (2019). The Relationship between the parenting Styles of the Students of the First Three Grades with their Level of Creativity, An Interdisciplinary Journal for Science and technology Studies, 13(01), 123-134. https://www.researchgate.net/publication/331987855_The_Relationship_between_the_Parenting_Styles_of_the_Students_of_the_First_Three_Grades_with_their_Level_of_Creativity

Armour, JA, Joussemet, M., Kurdi, V., Tessier, J., Boivin, M., & Tremblay, R. E. (2018). How toddlers' irritability and fearfulness relate to parenting: A longitudinal study conducted among Quebec families, Infant and Child Development, 27(2), e2062. https://onlinelibrary.wiley.com/doi/abs/10.1002/icd.2062

Azar, R., Paquette, D., Zoccolillo, M., Baltzer, F., & Tremblay, R. E. (2007). The association of major depression, conduct disorder, and maternal overcontrol with a failure to show a cortisol buffered response in 4-month-old infants of teenage mothers, Biological Psychiatry, 62(6), 573-579. https://www.sciencedirect.com/science/article/abs/pii/S0006322306014685

Barbot, B., Crossman, E., Hunter, S. R., Grigorenko, E. L., & Luthar, S. S. (2014).Reciprocal influences between maternal parenting and child adjustment in a high-risk population: a 5-year cross-lagged analysis of bidirectional effects, American Journal of Orthopsychiatry, 84(5), 567. https://psycnet.apa.org/record/2014-31782-001

Bayer, J. K., Hastings, P. D., Sanson, A. V., Ukoumunne, O. C., & Rubin, K. H.(2010). Predicting mid-childhood internalising symptoms: A longitudinal community study, International Journal of Mental Health Promotion, 12(1), 5-17. https://www.tandfonline.com/doi/abs/10.1080/14623730.2010.9721802

Bayer, J. K., Sanson, A. V., & Hemphill, S. A. (2006). Parent influences on early childhood internalizing difficulties, Journal of Applied Developmental Psychology, 27(6), 542-559. https://www.sciencedirect.com/science/article/abs/pii/S0193397306000979

Bayer, J. K., Sanson, A. V., & Hemphill, S. A. (2009). Early childhood aetiology of internalising difficulties: a longitudinal community study, International Journal of Mental Health Promotion, 11(1), 4-14. https://www.tandfonline.com/doi/abs/10.1080/14623730.2009.9721777

Beato, A., Pereira, A. I., & Barros. L. (2017). parenting strategies to deal with children's anxiety: Do parents do what they say they do? Child Psychiatry & Human Development, 48, 423-433. https://link.springer.com/article/10.1007/s10578-016-0670-3

Beato, A., Pereira, A. I., Barros, L., & Muris, P. (2016). The relationship between different parenting typologies in fathers and mothers and children's anxiety, Journal of Child and Family Studies, 25, 1691-1701. https://link.springer.com/article/10.1007/s10826-015-0337-x

Becker, K. D., & Ginsburg, G. S. (2011). Maternal anxiety, behaviors, and expectations during a behavioral task: Relation to children's self-evaluations, Child Psychiatry & Human Development, 42, 320-333. https://link.springer.com/article/10.1007/s10578-011-0216-7

Borelli, J. L., Margolin, G., & Rasmussen, H. F. (2015). Parental overcontrol as a mechanism explaining the longitudinal association between parent and child anxiety, Journal of Child and Family Studies, 24, 1559-1574. https://link.springer.com/article/10.1007/s10826-014-9960-1

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-18]

Borelli, J. L., Shai, D., Smiley, P. A., Boparai, S., Goldstein, A., Rasmussen, H. F., & Granger , D. F. (2019). Mother–child adrenocortical synchrony: Roles of maternal overcontrol and child developmental phase, Developmental psychobiology, 61(8), 1120-1134. https://onlinelibrary.wiley.com/doi/abs/10.1002/dev.21845

Brenning, K. M., Soenens, B., Petegem, S. V., & Kins, E. (2017). Searching for the roots of overprotective parenting in emerging adulthood: Investigating the link with parental attachment representations using an Actor Partner, Journal of Child and Family Studies, 26, 2299-2310. https://link.springer.com/article/10.1007/s10826-017-0744-2

Burkhouse, K. L., Gibb, B. E., Coles, M. E., Knopik, V. S., & McGeary, J. E.(2011). Serotonin transporter genotype moderates the link between children's reports of overprotective parenting and their behavioral inhibition, Journal of abnormal child psychology, 39(6), 783-790. https://link.springer.com/article/10.1007/s10802-011-9526-2

Buss, K. A., Zhou, A. M., & Trainer, A. (2021). Bidirectional effects of toddler temperament and maternal overprotection on maternal and child anxiety symptoms across preschool, Depression and anxiety, 38(12), 1201-1210. https://onlinelibrary.wiley.com/doi/abs/10.1002/da.23199

Çaylan, N., Yalçın, S. S., Nergiz, M. E., Yıldız, D., Oflu, A., Tezol, Ö. Çiçek, Ş., & Foto-Özdemir, D. (2021). Associations between parenting styles and excessive screen usage in preschool children, Turkish archives of pediatrics, 56(3), 261. https://www.ncbi.nlm.nih.gov/pmc/articles/PMC8152648/

Chorot, P., Valiente R. M., Magaz, A. M., Santed, M. A., & Sandin, B. (2021). Perceived parental child rearing and attachment as predictors of anxiety and depressive disorder symptoms in children: The mediational role of attachment, Psychiatry research, 253, 287-295. https://www.sciencedirect.com/science/article/abs/pii/S0165178116318145

Chou, MC, Chou, WJ, Chiang, HL, Wu, YY, Lee, JC, Wong, CC., & Gau ,S. SF. (2012). Sleep problems among Taiwanese children with autism, their siblings and typically developing children, Research in Autism Spectrum Disorders, 6(2), 665-672. https://www.sciencedirect.com/science/article/abs/pii/S1750946711001619

Clincy, A. R., & Mills-Koonce ,W. R. (2013). Trajectories of intrusive parenting during infancy and toddlerhood as predictors of rural, low-income African American boys' school-related outcomes, American Journal of Orthopsychiatry, 83(2-3), 194. https://psycnet.apa.org/record/2013-27702-007

Cooklin, A. R., Giallo, R., D'Esposito, F., Crawford, S., & Nicholson, J. M. (2013). Postpartum maternal separation anxiety, overprotective parenting, and children's social-emotional well-being: Longitudinal evidence from an Australian cohort, Journal of Family Psychology, 27(4), 618. https://psycnet.apa.org/record/2013-24301-001

Dahlquist, L. M., Power, T. G., Hahn, A. L., Hoehn, J. L., Thompson, C. C., Herbert, L. J., Law, E. F., & Bollinger, M. E. (2015). Parenting and independent problem-solving in preschool children with food allergy, Journal of pediatric psychology, 40(1), 96-108. https://academic.oup.com/jpepsy/article/40/1/96/2951892

Engel, G. L. (1977). The need for a new medical model: A challenge for biomedicine. Science, 196(4286), 129-136. https://www.science.org/doi/abs/10.1126/science.847460

Faleschini, S., Matte-Gagné, C., Luu, T. M., Côté, s., Tremblay, R. E., & Boivin, M. (2020). Trajectories of overprotective parenting and hyperactivity-impulsivity and inattention among moderate-late preterm children: A population-based study, Journal of Abnormal

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-18]

Child Psychology, 48, 1555-1568. https://link.springer.com/article/10.1007/s10802-020-00704-w

Festa, C. C., & Ginsburg, G. S. (2011). Parental and peer predictors of social anxiety in youth, Child Psychiatry & Human Development, 42, 291-306. https://link.springer.com/article/10.1007/s10578-011-0215-8

Fox, J. K., Ryan, J. L., Burch, J. M., & Halpern, L. F. (2022). The role of parental overcontrol in the relationship between peer victimization, social threat cognitions, and social anxiety in school-age children, School mental health, 1-12. https://link.springer.com/article/10.1007/s12310-021-09466-2

Fox, J. K., Sital, M. Halpern, L. F., & Ryan, J. L. (2023). Elucidating the roles of maternal overcontrol and warmth in the development of childhood anxiety and depression: A moderated mediation framework, Child Psychiatry & Human Development, 1-14. https://link.springer.com/article/10.1007/s10578-021-01274-8

Ganaprakasam, M. C., Humayra S., Ganasegaran, K., Hashim, H, A., & Armathlingam, S. (2023). Anxious Child: The Association between Helicopter Parenting and Anxiety among Primary School Students in Kedah, JURNAL PSIKOLOGI MALAYSIA, 37(1). https://link.springer.com/article/10.1007/s10578-021-01274-8

Gar, N. S., & Hudson, J. L. (2008). An examination of the interactions between mothers and children with anxiety disorders, Behaviour research and therap, 46(12), 1266-1274. https://www.sciencedirect.com/science/article/abs/pii/S0005796708001848

Garst, B. A., & Gagnon, R. J. (2015). Exploring overparenting within the context of youth development programs, Journal of Youth Development, 10(1), 5-18. https://jyd.pitt.edu/ojs/jyd/article/view/416

Gere, M. K., Villabø, M. A., Torgersen, S., Kendall, P. C. (2012). Overprotective parenting and child anxiety: The role of co-occurring child behavior problems, Journal of Anxiety Disorders, 26(6), 642-649. https://www.sciencedirect.com/science/article/abs/pii/S0887618512000667

Gilbert, K., Barch, D. M., & Luby, J. L. (2020). The Overcontrol in Youth Checklist (OCYC): Behavioral and neural validation of a parent-report of child overcontrol in early childhood, Child Psychiatry & Human Development, 51, 27-38. https://link.springer.com/article/10.1007/s10578-019-00907-3

Gilbert, K., Perino, M. T., Myers, M. J., & Sylvester ,C. M. (2020). Overcontrol and neural response to errors in pediatric anxiety disorders, Journal of anxiety disorders, 72, 102224. https://www.sciencedirect.com/science/article/abs/pii/S0887618520300384

Gilbert, K., Sudit, E., Fox, N. A., Barch, D. M., & Luby, J. L. (2022). Childhood behavioral inhibition and overcontrol: Relationships with cognitive functioning, error monitoring, anxiety and obsessive-compulsive symptoms, Research on child and adolescent psychopathology, 50(12), 1629-1642. https://link.springer.com/article/10.1007/s10802-022-00953-x

Gulenc, A., Butler, E., Sarkadi, A., & Hiscock, H. (2011). Paternal psychological distress, parenting and child behaviour: A population based, psychology, 54(6), and 867. https://rest.neptune-prod.its.unimelb.edu.au/server/api/core/bitstreams/5f43e2f4-18a4-5e18-9f73-d290270d687b/content

Gulenc, A., Butler, E., Sarkadi, A., & Hiscock, H. (2018). Parernal psychological distress, parenting, and child behaviour: A population based, cross-sectional study, Child: care, health

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-18]

and development, 44(6), 892-900. https://onlinelibrary.wiley.com/doi/abs/10.1111/cch.12607

Gunnar, M. R., Kryzer, E., Ryzin, M. J. V., & Phillips ,D. A. (2010). The rise in cortisol in family day care: Associations with aspects of care quality, child behavior, and child sex, Child Development, 81(3), 851-869. https://srcd.onlinelibrary.wiley.com/doi/abs/10.1111/j.1467-8624.2010.01438.x

Harvison, K. W., Chapman, L. K., Ballash, N. G., & Woodruff-Borden, J. (2008). Anxiogenic patterns in mother-child interactioes, Child & Family Behavior Therapy, 30(2), 137-151. https://www.tandfonline.com/doi/abs/10.1080/07317100802060328

Ho, YJ. Hong, JC. Ye, JH. Chen, PH. Ma, LP. & Lee, YJ. C. (2022). Effects of helicopter parenting on tutoring engagement and continued attendance at cram schools, Frontiers in Psychology, 13, 880894. https://www.frontiersin.org/journals/psychology/articles/10.3389/fpsyg.2022.880894/full

Hudson, J. L., & Dodd, H. F. (2012). Informing early intervention: Preschool predictors of anxiety disorders in middle childhood, Public Library of Science, 7(8), e42359. https://journals.plos.org/plosone/article?id=10.1371/journal.pone.0042359

-Hudson, J. L., Comer, J. S., & Kendall, P. C. (2008). Parental responses to positive and negative emotions in anxious and nonanxious children, Journal of Clinical Child & Adolescent Psychology, 37(2), 303-313. https://www.tandfonline.com/doi/abs/10.1080/15374410801955839

Hudson, J. L., Dodd, H. F., & Bovopoulous, N. (2011). Temperament, family environment and anxiety in preschool children , Journal of abnormal child psychology, 39(7), 939-951. https://link.springer.com/article/10.1007/s10802-011-9502-x

Hudson, J. L., Dodd, H. F., Lyneham, H. J., & Bovopoulous, N. (2011). Temperament and family environment in the development of anxiety disorder: Two-year follow-up, Journal of the American Academy of Child & Adolescent Psychiatry, 50(12), 1255-1264. https://www.sciencedirect.com/science/article/abs/pii/S0890856711008318

Hussain, H. A. (2018). THE RELATIONSHIP BETWEEN HELICOPTER PARENTING AND SOCIAL EMOTIONAL LEARNING (SEL), THE UNIVERSITY OF HOUSTON-CLEAR LAKE. https://uhcl-ir.tdl.org/server/api/core/bitstreams/6f3b4d1a-0f72-4800-891c-631b996b189f/content

Ingen, D. J. V., Moore, L. L., & Fuemmeler, J. A. (2006). Parental overinvolvement: A qualitative study, Journal of Developmental and Physical Disabilities, 20, 449-465. https://link.springer.com/article/10.1007/s10882-008-9113-9

Işık, M., & Bahat, I. (2021). Examination of student Perceptions about helicopter parental attitudes: Helicopter parental attitudes, International Journal of Curriculum and Instructio, 13(3), 2128-2149. https://ijci.globets.org/index.php/IJCI/article/view/708

Jong-Lenters, M. D., Pasman, B., & Duijster, D. (2023). The relationship between overprotective parenting, toothbrushing practices and children's behaviour during dental treatments in 4 to 11-year-old Dutch children: a cross, European Archives of Paediatric Dentistry, 24(5), 559-567. https://link.springer.com/article/10.1007/s40368-023-00814-1

Kao, T. F., Du, Y. Z., Yang, L., Fan, T. T., & CAI. Q. Y. (2023). Maternal Overparenting and Psychological Resilience in Junior High School Students: Mediating Effect Base on Self-Confidence, Proceedings of the 4th International Conference on Education. https://eudl.eu/doi/10.4108/eai.26-5-2023.2337324

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-18]

Kawabata, Y., Tseng, WL, & Gau, S. SF. (2012). Symptoms of attention-deficit/hyperactivity disorder and social and school adjustment: The moderating roles of age and parenting, Journal of Abnormal Child Psychology, 40(2), 177-188. https://link.springer.com/article/10.1007/s10802-011-9556-9

Kho, C., Main, A., Chung, S., & Zhou, Q. (2019). Intrusive parenting in Chinese American immigrant families: Relations with cultural orientations and children's adjustment, Asian American Journal of Psychology, 10(4), 341. https://psycnet.apa.org/record/2019-41280-001

Kiel, E. J., Hummel, A. C., & Luebbe, A. M. (2015). Cortisol secretion and change in sleep problems in early childhood: moderation by maternal overcontrol, Biological psychology, 107, 52-60. https://www.sciencedirect.com/science/article/abs/pii/S0301051115000526

Koirunnisa, R., Anita, Suci, M., Putri, D. A., & Rahmadona, J.(2023).THE RELATIONSHIP BETWEEN PARENTS' OVERPROTECTIVE BEHAVIOR AND STUDENTS'SELFADJUSTMENT, Journal of Psychology and Social Sciences, 1(3), 86-92. https://jurnal.dokicti.org/index.php/JPSS/article/view/98

Laurin, J. C., Joussemet, M., Tremblay, R. E., & Boivin, M. (2015). Early forms of controlling parenting and the development of childhood anxiety, Journal of Child and Family Studies 24, 3279-3292, 2015. https://link.springer.com/article/10.1007/s10826-015-0131-9

Lee, H., & Shin, N. (2020). Preschoolers' Behavioral Inhibition and Anxiety: Mediating Effects of Maternal Overprotective Parenting and Autonomy Support, Korean Journal of Childcare and Education, 16(6), 71-88. https://koreascience.kr/article/JAKO202008337071710.page

Li, A., Cheng, S., & Vachon, T. E. (2023). Too much of a good thing? Testing the curvilinear relationship between parental involvement and student outcomes in elementary school, Social Forces, 101(3), 1230-1257. https://academic.oup.com/sf/article-abstract/101/3/1230/6520699

Marusak, H. A., Thomason, M. E., Sala-Hamrick, K., Crespo, L., & Rabinak ,C. A. (2018). What's parenting got to do with it: emotional autonomy and brain and behavioral responses to emotional conflict in children and adolescents, Developmental science, 21(4), e12605. https://onlinelibrary.wiley.com/doi/abs/10.1111/desc.12605

McLeod, B. D., Wood, J. J., & Weisz, J. R. (2007). Examining the association between parenting and childhood anxiety: A meta-analysis ,Clinical psychology review, 27(2), 155-172. https://www.sciencedirect.com/science/article/abs/pii/S0272735806001127

McWhorter, L. G., Christofferson, J., Neely, T., Hildenbrand, A. K., Alderfer, M. A., Randall, A., Kazak, A. E., & Sood E. (2022). Parental post-traumatic stress, overprotective parenting, and emotional and behavioural problems for children with critical congenital heart disease, Cardiology in the Young, 32(5), 738-745. https://www.cambridge.org/core/journals/cardiology-in-the-young/article/abs/parental-posttraumatic-stress-overprotective-parenting-and-emotional-and-behavioural-problems-for-children-with-critical-congenital-heart-disease/BC452DADBC56EB754E942817738E6F40

Meyer, A., Kegley, M., & Klein, D. N. (2022). Overprotective parenting mediates the relationship between early childhood ADHD and anxiety symptoms: Evidence from a cross-sectional and longitudinal study, Journal of Attention Disorders, 26(2), 319-327. https://journals.sagepub.com/doi/abs/10.1177/1087054720978552

Möller, E. L., Majdandžić, M., & Bögels, S. M. (2015). Parental anxiety, parenting behavior, and infant anxiety: Differential associations for fathers and mothers, Journal of Child and

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-18]

Family Studies, 24, 2626-2637. https://link.springer.com/article/10.1007/s10826-014-0065-7

-Mudra, s., Göbel, A., Möhler, E., Stuhrmann, L. Y., Schulte-Markwort, M., Arck, P., Hecher, K., & Diemert, A. (2022). Behavioral inhibition in the second year of life is predicted by prenatal maternal anxiety, overprotective parenting and infant temperament in early infancy, Frontiers in psychiatry, 13, and 844291. https://www.ncbi.nlm.nih.gov/pmc/articles/PMC9203734/

Munsch, M., Dremmel, D., Kurz, S., Albuquerque, J. D., Meyer, A. H., & Hilbert, A. (2017). Influence of parental expressed emotions on children's emotional eating via children's negative urgency, European Eating Disorders Review, 25(1), 36-43. https://onlinelibrary.wiley.com/doi/abs/10.1002/erv.2489

Navickienė, L., Kupčikienė, I., Stasiūnaitienė, E., Tokgöz, M., & Koçak, E. (2021). OVERPARENTING IN EDUCATION REALITY: TEACHER EXPERIENCE, HEALTH SCIENCES IN EASTERN EUROPE, 1, 102-109. https://sm-hs.eu/wp-content/uploads/2021/12/%E2%99%A52021-SM7TIRAZAS.1-240-102-109.pdf

Oldehinkel, A. J., Veenstra, R., Ormel, J., winter, A. F. D., & Verhulst, F. C. (2006). Temperament, parenting, and depressive symptoms in a population sample of preadolescents, Journal of Child Psychology and Psychiatry, 47(7), 684-695. https://acamh.onlinelibrary.wiley.com/doi/abs/10.1111/j.1469-7610.2005.01535.x

Padilla-Walkar, L. M., & Nelson, L. J. (2012). Black hawk down? Stablishing helicopter parenting as a distinct construct from other forms of parental control during emerging adulthood, Journal of adolescence 35(5), 1177-1190. https://www.sciencedirect.com/science/article/abs/pii/S0140197112000462

Park, YS. Shim, SK., & Byon, KH. (2014). the Relationship among Resilience of Young Children, their Interactive Peer Play, and Mothers' Overprotective Parenting Attitudess, Korean Journal of Human Ecolog, 23(6), 1089-1104. https://koreascience.kr/article/JAKO201406234293781.page

Partington, L. C., Borelli, J. L., Smiley, P., Jarvik, E., Rasmussen, H. F., Seaman, L. C., & Nurmi, E. L.(2018). Parental overcontrol x OPRM1 genotype interaction predicts school-aged children's sympathetic nervous system activation in response to performance challenge, Research in developmental disabilities, 82, 39-52. https://www.sciencedirect.com/science/article/abs/pii/S089142221830088X

Perry, N. B., Dollar, J. M., Calkins, S. D., Keane, S. P., & Shanahan, L. (2018). Mechanism through which early overcontrolling parenting is associated with adjustment in preadolescence, Developmental psychology, 54(8), 1542. https://psycnet.apa.org/record/2018-27552-001

Piaget, J. (1952). The Origins of Intelligence in Children, New York: International Universities Press. https://psycnet.apa.org/record/2007-10742-000

Pizzo, A., Sandstrom, A., Drobinin, V., Propper, L., Uher, R., & Pavlova, B. (2022). Parental overprotection and Sleep problems in young children, Child Psychiatry & Human Development, 53(6), 1340-1348. https://link.springer.com/article/10.1007/s10578-021-01199-2

Rork, K. E., & Morris, T. L. (2009). Influence of parenting factors on childhood social anxiety: Direct observation of parental warmth and control, Child & Family Behavior Therapy, 31(3), 220-235. https://www.tandfonline.com/doi/abs/10.1080/07317100903099274

Rose, J., Roman, N., Mwaba, K., & Ismail, K. (2018). The relationship between parenting and internalizing behaviours of children: A systematic review, Early Child Development and

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-18]

Care, 188(10), 1468-1486. https://www.tandfonline.com/doi/abs/10.1080/03004430.2016.1269762

Rousseau, S., & Scharf, M. (2018). Why people helicopter parent? An actor–partner interdependence study of maternal and paternal prevention/promotion focus and interpersonal/self-regret, Journal of Social and Personal Relationships, 35(7), 919-935. https://journals.sagepub.com/doi/abs/10.1177/0265407517700514

Rudd, K. L., Alkon, A., & Yates, T. M. (2017). Prospective relations between intrusive parenting and child behavior problems: Differential moderation by parasympathetic nervous system regulation and child sex, Physiology & behavior, 180, 120-130. https://www.sciencedirect.com/science/article/abs/pii/S0031938417302603

Ryoo, J. M., & Shin, N. (2018). The Effects of Working Mothers' Separation Anxiety, Job Satisfaction, and Overprotective Parenting Behavior on Preschoolers' Separation Anxiety, Korean Journal of Childcare and Education, 14(1), 1-20. https://koreascience.kr/article/JAKO201809361758814.page

Salmin, A. H., Nasrudin, D., Hidayat, M. S., & Winarni, W. (2021). The effect of overprotective parental attitudes on children's development, Jurnal BELAINDIKA (Pembelajaran Dan Inovasi Pendidikan), 3(1), 15-20. https://belaindika.nusaputra.ac.id/article/view/63

ŞAR, V., Necef, I., Mutluer, T., Fatih, P., & Türk-Kurtça, T. (2021). A revised and expanded version of the Turkish Childhood Trauma Questionnaire (CTQ-33): Overprotection-overcontrol as additional factor, Journal of Trauma & Dissociation, 22(1), 35-51. https://www.tandfonline.com/doi/abs/10.1080/15299732.2020.1760171

Segrin, C., Woszidlo, A., Givertz, M., & Montgomery, N. (2013). Parent and child traits associated with overparenting, Journal of Social and Clinical Psychology, 32(6), 569-595. https://www.tandfonline.com/doi/abs/10.1080/15299732.2020.1760171

Segrin, C., Woszidlo, A., Givertz, M., Bauner, A., & Tavoler Murphy, M. (2012). The association between overparenting parent-child communication and entitlement and adaptive traits in adult children, Family relations, 61(2), 237-252. https://onlinelibrary.wiley.com/doi/abs/10.1111/j.1741-3729.2011.00689.x

Srivastav, D., & Mathur, M. L. (2020). Helicopter parenting and adolescent development, Parenting-Studies by an Ecocultural and Transactional Perspective, www.intechopen.com.

Stevenson, M., & Crnic, K. (2013). Intrusive fathering, children's self-regulation and social skills: A mediation analysis, Journal of Intellectual Disability Research, 57(6), 500-512. https://onlinelibrary.wiley.com/doi/abs/10.1111/j.1365-2788.2012.01549.x

Strang, K. R. (2015). The Relationship Between Overparenting, Parenting Style, and Anxiety in Parents of School-aged Children, The Chicago School of Professional Psychology. https://www.proquest.com/openview/2529fd4da6781799e9cb87a918fe3167/1?pq-origsite=gscholar&cbl=18750

Suarez, G. L., Morales, S., Miller, N. V., Penela, E. C., Chronis-Tuscano, A., Henderson, H. A., & Fox, N. A.(2021). Examining a developmental pathway from early behavioral inhibition to emotion regulation and social anxiety: The moderating role of parenting, Developmental psychology, 57(8), and 1261. https://psycnet.apa.org/record/2021-88984-007

Suat, KOL. (2018). the effects of the parenting styles on social skills of children aged 5-6, MOJES: Malaysian Online Journal of Educational Sciences, 4(2), 49-58. https://files.eric.ed.gov/fulltext/EJ1096005.pdf

Sun, J., Liu, J., Cheah, C. SL., Fang, Y., Weng, W., Xue, Z., Huang, M., & Li ,Y.(2023). Paternal Overcontrol and Young Children's Internalizing Problems in China: The Roles of Social

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-18]

Competence and Teacher-Child Conflict, Early Education and Development, 34(8), 1816-1829. https://www.tandfonline.com/doi/abs/10.1080/10409289.2022.2133495

Taylor, Z. E., Spinrad, T. L., VanSchyndel, S. L., Eisenberg, N., Huynh, J., Sulik, M. J., & Granger ,D. A. (2013). Sociodemographic risk, parenting, and effortful control: Relations to salivary alpha-amylase and cortisol in early childhood, Developmental psychobiology, 55(8), 869-880. https://onlinelibrary.wiley.com/doi/abs/10.1002/dev.21079

Ulu, E., & Erdentuğ, G. (2018). The relationship between 5 year-old children's social value acquisition and parenting styles, Quality & Quantity, 52(Suppl 2), 1137-1149. https://link.springer.com/article/10.1007/s11135-017-0564-x

Vente, W. D., Majdandžić, M., Colonnesi, C., & Bögels, S. M. (2011). Intergenerational transmission of social anxiety: The role of paternal and maternal fear of negative child evaluation and parenting behaviour, Journal of Experimental Psychopathology, 2(4), 509-530. https://journals.sagepub.com/doi/abs/10.5127/jep.018811

Vreeke, L. J., Muris, P., Mayer, B., Huijding, J., & Rapee, R. M. (2013). Skittish, shielded, and scared: Relations among behavioral inhibition, overprotective parenting, and anxiety in native and non-native Dutch preschool children, Journal of anxiety disorders, 27(7), 703-710. https://www.sciencedirect.com/science/article/abs/pii/S0887618513001709

Weinstock, R. (2021). Paternal and Paternal Overcontrol: Relationships with Child Anxiety. https://scholarworks.gsu.edu/psych_diss/238/

Williams, L. K., Lamb, K. E., & McCarthy, M. C. (2015). Parenting behaviors and nutrition in children with leukemia, Journal of clinical psychology in medical settings, 22, 279-290. https://link.springer.com/article/10.1007/s10880-015-9429-4

Williams, L. K., Lamb, K. E., & McCarthy, M. C. (2024). Behavioral side effects of pediatric acute lymphoblastic leukemia treatment: the role of parenting strategies, Pediatric Blood & Cancer, 61(11), 2065-2070. https://onlinelibrary.wiley.com/doi/abs/10.1002/pbc.25164

Yilmaz, H., Arslan, C., & Aarslan, E. (2021). Is having a helicopter mother a traumatic experience? The relationship between helicopter mother attitude and traumatic experiences and learnedhelplessnes ,Psycho-Educational Research Reviews, 10(3), 302-321. https://www.perrjournal.com/index.php/perrjournal/article/view/28

Young, B. J., Wallace, D. P., Imig, M., Borgerding, L., Brown-Jacobsen, M., & Whiteside, S. PH. (2013). Parenting behaviors and childhood anxiety: A psychometric investigation of the EMBU-C, Journal of Child and Family Studies, 22, 1138-1146. https://link.springer.com/article/10.1007/s10826-012-9677-y

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-18]

فصلنامه ایده های نوین روانشناسی
دوره ۲۱، شماره ۲۵، تابستان ۱۴۰۳

Amirhossein Abdoli[1], Sedigheh Ahmadi[2]

Abstract

Overparenting is an abnormal style of parenting characterized by overinvolvement, overcontrol, and overprotection, and is in line with the concept of helicopter parenting. Based on the fact that abnormal parenting styles create risks for health of children and Due to the lack of research literature on this topic in the country, this study aimed to investigate the negative effects of overparenting on Bio-Psycho-Social health of children. According to the specialized keywords in various databases, including Google Scholar, Sage, Wiley, Springer, PubMed, Scopus, ScienceDirect, Taylor & Francis between 2006 and 2023, 792 articles were reviewed by considering the inclusion criteria and quality assessment using the PRISMA pattern. Then, based on the final qualitative evaluation, 79 articles were selected. The results of various researches confirmed the negative effects of overparenting on the biological (inappropriate nutrition, hormonal imbalance, sleep problem), psychological (eating disorder, anxiety and depression, disorders related to trauma and stressors, behavioral inhibition, emotional behavioral problems, poor life skills, internalizing and externalizing problems, hyperactivity and impulsivity, academic problems, destructive and risky behaviors, distress, negative self-evaluation, OCD) and social (poor social skills, reducing the level of learning and acquiring social values, decrease social competence and expressive communication, decrease Independence) dimensions of child health. The results of this study will be of significant importance to parents, school administrators, health officials, and educational policymakers in the country.

Keywords: Overparenting, Helicopter Parenting, Overprotectiveness, OverControling, Intrusive Parenting, Children.

[1] MSc In Family counseling, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Kharazmi University, Tehran, Iran
[2] Assistant Professor, Faculty of Psychology and Educational Science, Kharazmi University, Theran, Iran. (Corresponding Author)

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-18]